

هنر نو، تبلور فلسفه‌ی تردید است

گفت‌وگو با حمید رحمتی، نقاش و منتقد هنری

هفت حوض (۲)

هم‌خانگی آب و آینه

گزارش بخشی از عملکرد دکتر نبی‌اله محمدی نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی

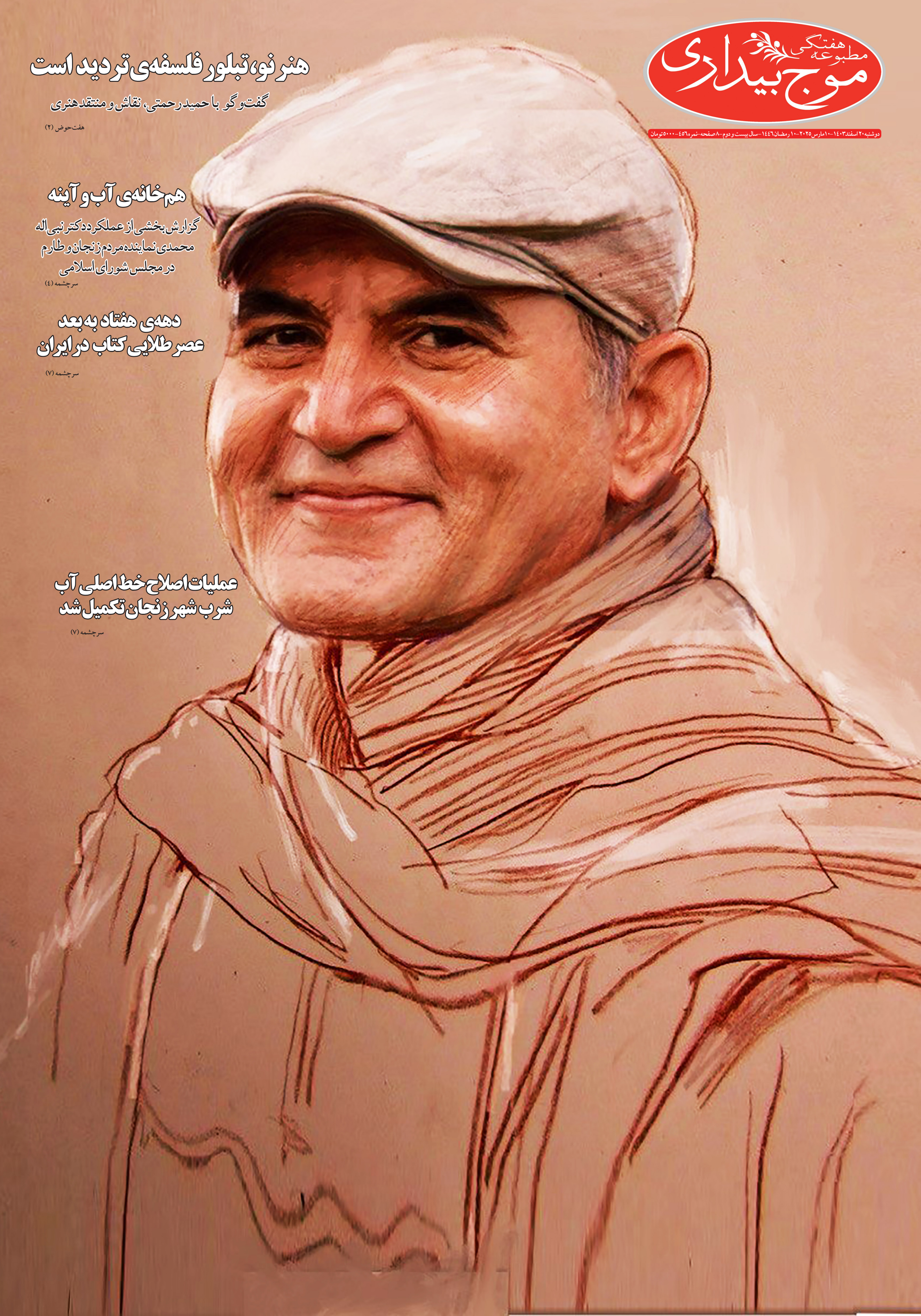
سرچشمه (۴)

دهه‌ی هفتاد به بعد عصر طلایی کتاب در ایران

سرچشمه (۷)

عملیات اصلاح خط اصلی آب شرب شهر زنجان تکمیل شد

سرچشمه (۷)





پایین بودن سرانه فضای آموزشی چالش مناطق شهری در استان زنجان

اعلامات– هر چند سرانه فضای آموزشی در استان زنجان ۶ مترمربع اعلام شده ولی عدد این شاخص در مناطق شهری به دلیل تراکم جمعیت و کمبود مدارس به ویژه در شهرک های اقماری، به ۳٫۲ مترمربع کاهش یافته است. به گزارش ایرنا مناطق شهری به ویژه شهرک های اقماری استان زنجان با کمبود سرانه فضای آموزشی مواجه است که بخش قابل توجهی از این مشکل به بی توجهی در تامین زیرساخت های لازم هنگام احداث آنها بازمی گردد. بی تردید کمک به آموزش به ویژه آموزش کودکان و نوجوانان، تاثیر مستقیمی بر سرنوشت یک کشور و توسعه آن دارد از این رو تامین و توسعه فضاهای آموزشی همواره به عنوان یکی از دغدغه ها و اولویت های مدیران و مسوولان مطرح بوده است.

بنابر اعلام اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان زنجان در حال حاضر سرانه فضای آموزشی در این استان ۶مترمربع است.بر اساس هدف گذاری انجام شده در برنامه هفتم توسعه قرار است میانگین سرانه آموزشی کشور تا پایان این برنامه به ۶٫۱مترمربع برسد. در نگاه اول چنین به نظر می آید که وضعیت زنجان در مقایسه با این هدف گذاری مناسب است ولی چالش و مشکل اصلی این است که رقم ۶ مترمربع سرانه فضای آموزشی در استان زنجان مربوط به میانگین کل استان است و این عدد در مناطق شهری نصف می شود.

احداث مدارس جدید در برخی شهرهای استان یک نیاز ضروری است
مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان زنجان گفت: در زمینه توسعه فضاهای آموزشی در شهرهای زنجان، اهر، قبادر و خرمدره وضعیت به گونه ای است که نیاز به تامین مدارس جدید در آنها ضروری است. حمیدرضا سلامی افزود البته تلاش های زیادی در زمینه مدرسه سازی در استان در حال انجام است به طوری که با همراهی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، زنجان طی سال گذشته و امسال بیشترین تخصیص اعتبارات را در بین استان ها به طرح های مدرسه سازی در سطح کشور داشته است.وی اظهار کرد: در زمان حاضر ۸۸ طرح مدرسه سازی در استان زنجان در دست اجراست. مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان زنجان بر ضرورت توجه جدی به اجرایی شدن ماده ۱۸ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در خصوص تامین فضاهای آموزشی مورد نیاز در طرح مسکن تاکید کرد و گفت: این ماده قانونی تصریح می کند که تمامی سازندگان مسکن، چه دولتی و چه خصوصی، باید فضاهای آموزشی مورد نیاز در طرح های مسکن را هم تامین کنند.ولی استنکفاف از انجام این وظیفه قانونی توسط سازندگان و انبوه سازان و لزوم پیگیری های قانونی مسوولان ذریبط از جمله دغدغه های سالهای اخیر در تامین کافی فضاهای آموزشی مناسب است که امیداست مسوولین استانی در این زمینه اقدامات موثری را انجام دهند.

اسلامی با بیان اینکه سرانه فضای آموزشی در مناطق شهری استان زنجان، ۳٫۲ مترمربع است، گفت: با توجه به کاهش جمعیت روستایی، شاخص سرانه آموزشی در این مناطق نسبت به مناطق شهری که تراکم جمعیت در آنها رو به افزایش است، عدد بالایی شده است ولی مادر مناطق شهری استان با توجه به رشد تراکم جمعیتی شاهد کلاس های درسی با تراکم بالا هم هستیم.

«قلم پویا» مجوز گرفت

هفت حوض پایگنخبری تحلیلی قلم پویا به صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی زکیه محمدی مجوز گرفت. محمدی با اعلام این خبر گفت: مجوز خبری پایگاه خبری تحلیلی قلم پویا به تازگی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

محمدی افزود: این پایگاه خبری ضمن در پیش گرفتن رویکرد انتقادی، نقش خود را در توسعه همه جانبه ی استان ایفا خواهد کرد.

این خبرنگار خاطر نشان کرد: با رونق گرفتن شبکه های مجازی، رسانه ها نیز به سمت و سوی این فضا کشیده شده و در صدد بهره گیری از ظرفیت های منحصر به فرد کشنگری آنلاین هستند.مدیر مسئول قلم پویا افزود: دموورز ضرورت وجود و حضور رسانه بر کسی پوشیده نیست و رسانه ها به عنوان پیام آوران آگاهی و اطلاع رسانی نقش مهم و تاثیر گذاری در تحولات جوامع بشری دارند.

آهوی خود را به موج بیداری بسازید

تلفن:

۳۳۵۶۸۶۷۰

هنر نو، تبلور فلسفه‌ی تر دیداست

اشاره: تاریخ همیشه معاصر است، اگر این سخن بپند تو کروچه را بپذیریم می توان گفت میراث گرنبهای تمدن بشری اعم از معماری و نقاشی و موسیقی و فلسفه و شعر و... با ما معاصرند.

نقاشی این الهه‌ی باستان هنوز معاصر است و افواگری های خودش را دارد و هر چه بیشتر در تالارهای این قصر پیش برویم پژواک صدای شاهِدِ پرده نشین آن بیشتر طنین انداز می شود.

اگر چه امروز نقاشی و هر هنر دیگری به جای روایت به توصیف بپردازد به دیروز تعلق دارد و ما دیروز را از دست داده‌ایم و انسان معاصر از آینده به امروز می نگرد. آینده‌ای که آن سوی تردمیل است و ما هر چه به سمت آن می‌رویم به گذشته می‌رویم.

این الهه‌ی دست نیافتنی روزگاران دور، طی قرن‌هایتمادی در خدمت کلیسا بوده و روح تغزلی اش را به غایت گرای این نهاد کهن بخشیده بود ولی با حفظ همان زیبایی، پرده بر انداخته و از حرم خویش برون تاخته است. زیبا روی قصه گوئی که امروز در کوچه و خیابان به روایت شهر و سرنوشت شهروندان آن می‌پردازد. الهه‌ای که از جاه طلبی های خود فرود آمده و در جستجوی انسان امروز است و این بار انسان معاصر از آن روی بر تافته و در جستجوی معشوق دیگری است! به عبارتی، امروز نقاشی چون آیین فرقه‌ای مخفی است که در حاشیه‌ی جامعه بر گزار می شود و تمیاده محدودی از دوستانران آن در این مناسک معنوی شرکت می کنند. این جان کهن بیشتر از اینکه روابط خود را با جریان‌های جدید و جان‌های متجدد برقرار کند دل به دنیای موزه‌ها سپرده و رو به قبله‌ی آن نهاد است و البته این اقتضای زمانه و دنیای امروز است. دیگر جامعه به جاذبه‌های آن و جهان زیستی اش توجهی ندارد و نقاشان با همه‌ی عظمت شان، پیامبران بی‌قوم و خویش زمانه‌ی خویش اند.

به عبارتی شمایل نقاشی در مقایسه با رخسار پرفروخته سینما و پویانمایی، چهره‌ای مومیایی شده است که در قصری قدیمی به تماشا گذاشته تا دلدادگان تاریخ به دیدنش بر آن قصر و تالار روند و به مغازه با آن بپردازند.
کدام فستیوال نقاشی رامی توان با جشنواره‌های اسکار و کن و ونیز و برلین و... مقایسه نمود؟ گویا نقاشی به دلیل فقدان حرکت و محدودیت‌های مهم دیگر نوانسته است به روح خدمت کند و به جبر روزگار نوگرا، به حاشیه رانده شده است. ایستایی ولو در فرم و شکل، نوعی به ضد مزیت بدل شده است و هر آن چه که از نیروی حرکتی بی بهره است اگر هم از تخت نیفتاده باشد، بخت برگشته است و به تدریج به کنج و کناره‌های آن رانده می شود.

در روزگاراتی که تاریخ به کندی به حرکت می کرد و روح آن از رخ داده‌های پیاپی، مشوش نشده بود، نقاشی نیز این همه دینار بحران موقعیت نشده و بر جمعیت آن به مخاطره نیفتاده بود ولی امروز که تاریخ بی رحمانه می تازد و به پیشگاه هیچ پادشاهی فرود نمی آید و هیچ عنایتی به اعتصاب هیچ عقربه‌ی ندارد دیگر چه جای شعر و نقاشی!

اگر چه نقاشی نیز چون هنرها و هویت‌های دیگر تن به تاسخ داده و با نگاه مخصوص خود به کشف جنبه‌های متفاوت هستی می کوشد ولی امروز در جهان گذرانی به سر می برد که دیگر از آن او نیست و یا جهانی که در آئیم متعلق به عصر نقاشی نیست! زمان تغییر کرده و زمانه با هنرهایی حرکتی همراه تر است و از این روست که امروز سینما و انیمیشن، جهان را به تسخیر خود در آورده اند. نقاشی، کشتی اش به سوی نیستی می رود در حالی که جهان با آوازی های اِپرای اش، همراهی اش می کند.

امروز می توان گفت نقاشی تنها برای نقاشان به دنیا می آید. همانگونه که نقاشان برای آن به دنیا آمده‌اند و یکی از این نقاشان نوگرا و نظر به پرذا: حمید رحمتی است که جان جهنده و طغیان تخیل اش از او چهره‌ی جداگانه‌ای ساخته. جان تازه‌ای که ضوابط و قواعد رسمیت یافته‌ی دانشگاه‌ها را به هیچ می انگارد و در پشت‌مزهای اینگونه نوگرایی معین نرم‌زمی ماند. اساسا او از جهانی که احاطه اش کرده است چندان پیروی نمی کند و به آسانی خود را با نظام حاکم وفق نمی دهد و این نه به خاطر آن که این نظام هیچ معنا و مفهومی ندارد بلکه از این روست که او در آن نظم، هیچ گونه معنایی نمی یابد. او تمامی این چهارچوب‌ها را پس می زند و تا مرز ناشناخته‌ها پیش می رود. رحمتی دانش آموخته دانشگاه تهران است و مقیم امروز آلمان. او از همان سال‌های نخست دانشجویی به خواست استادش «روبین پاکباز» به پژوهش و انتشار مقاله‌های پژوهشی در مطبوعات‌های دانشجویی اش پرداخت و تمام سنت نقد در دهه‌های پیشین را زیر و رونمود و طرخی نو در انداخت. او نقدهای هنری و متون فلسفی را نه فقط به زبان فارسی که به انگلیسی می خواند

هفت حوض



و حاصل مطالعه و اندیشه‌های هنری اش را منتشر می ساخت. رحمتی، جان عشاق، سپندرخ خود دلنستن را از حافظ آموخته و اینگونه به مقالات اش (درباره‌ی ژان بودریار فرانسوی)، دل از شاملو برده بود و به گفته‌ی سردبیر وقت «آدینه» شاعر سر کشتی چون شاملو به دقت نوشته‌های او را پی می گرفت. شاملویی که شلاق بی‌رحمانه اش به ناروا بر گرده یزرگان هنر و ادب ایران زمین فرود آمده بود ولی همین روح سرکش در برابر عصیان روحی جوان، زانو زده و شگوه مندانه چشم بر نوشتار و گفتار او دوخته بود. مقالات او در مجلات معتبر آن روزها: آدینه، مفید، دنیای سخن، گردون و... جاری بود و نام اش از نوجوانی در کنار نامدارترین شاعران و نویسندگان آن سال‌ها می درخشید. از شاملو و پراهنی گرفته تا ماجابی و لاشایی و هائیلال‌خاص... القصه گفت و گوی ما را با حمیدرحمتی بخوانید:

جناب رحمتی پرسوه‌ی خلق یک اثر هنری برای شما چه امر احلی را طی می کند؟

فرآیند خلق یک اثر هنری برای من، بخشی از گفتو گوی درونی من است با جهان؛ مناظره‌ای که به زبان

خط و رنگ در جهان بیرون بازتاب می یابد. این مناظره، در عین حال که سفری عمیقاً شخصی است و من در مسیر آن از طریق نظم دادن به خطوط، رنگها و اشکال، تلاش می کنم به آشفنگی های ذهنی خود سامان بخشیم. تلاشی

است در راستای زیست بهینه و به سامان تر جهانی است که در آتم و در حد بضاعتم شناخته‌ام

ایده‌های اولیه‌ی من از مشاهده‌هایم، تجربه‌های زیسته و رویدادهای اجتماعی معاصر مومکاشفه‌هایم در تاریخ و سنت سرچشمه می گیرد. این الهام در قالب طرح‌های اولیه بر روی کاغذ با آرآپید و گهگاه کلاژ با مواد مختلف شکل می گیرد. پس از جست و جوی ایده کار به اجرای روی بوم می رسد: که هر چه اجابشد بزرگتر باشد لذت کار بر روی آن بیشتر است. عرصه‌ی بوم جایی است که در آن عناصر بصری، همچون خطوط و رنگ‌ها، به زبانی زنده و پویا به محملی برای بیان اندیشه‌ها و احساسات من بدل می شوند.

از این نظر کارهای هنری من بازتابی از زبان حال من در دوره‌های گوناگون زندگی من اند. بدیهی است که با گذر زمان و تغییر نگرش‌ها و احساسات، این آثار اغلب مورد بازبینی و بازآفرینی قرار می گیرند. من هم مانند همه‌ی نقاسان، گاهی به آثار گذشته‌ام بازمی‌گردم و در مواجهه با تغییرات فکری و عاطفی خود، آن‌ها را بازتفسیر شان یا دوباره پردازش شان می‌کنم. این فرآیند شبیه به بازنویسی داستانی است که با الهام از متن اصلی، به روایتی تازه و متفاوت تبدیل می شود

اگر بخواهم نقاشی را به ادبیات تشبیه کنم، خطوط و رنگ‌ها برآیم همانند واژگان زبانی هستند که بسیاری از انسان‌ها در تاریخ از آن بهره جسته‌اند؛ اما ترکیب این عناصر، و کاربرد متفاوت آنها است که اثری منحصر به فرد خلق می کند. خلاقیت در هنر فرآیندی

حلال نقشه‌ای برای کشف مسیرهای جدید در جهان پیچیده و پر آشوب امروز است.
آقای رحمتی چه اندازه در منابع معرفتی تاریخی خودمان، کند و کاوی داشته و چه قدر از این هویت تاریخی، فرهنگی بهره برده‌اید؟

ما نخستین نسل دانشجویانی بودیم که پس از انقلاب فرهنگی به دانشکده‌ی هنرهای زیبا وارد شدیم. در آن دوران، پرسش از هویت و بازگشت به سنت‌های بومی، به‌طور جدی در فضای دانشگاه و کلیت جامعه فراگیر بود. این جریان فکری، ما را واداشت تا به‌طور نظام‌مند به کاوش در منابع تاریخی و سنت تصویری گذشته‌ی همه‌ی جهان و به ویژه در کاوشی سودمندی و عملی به هنر ایران بپردازیم.

استادی همچون استاد رویین پاکباز و کارگاه‌های مبنی و رنگ و تاریخ هنر و پژوهش‌های نظام‌مند کارگاه نقاشی که جملگی مبتنی بر پژوهش های پیگیر و دلمه دار بودند، بزرگ‌ترین شانس ما به دورانی بودند که سونامی پاکسازی اساتید هنوز به دانشکده ی ما نرسیده بود و ما نزد اساتید درجه یکی تعلیم دیدیم. به فاصله‌ی چندسال پس از ورود ما به دانشگاه با تکیه بر دوگانه‌ی کاذب تعهد و تخصص، اکثر اساتید پیشین را کنار گذاشتند و جای آن‌ها کسانی را آوردند که نه تنها لیسانس و یا فوق لیسانس که بعضاً حتی دپلم و سیکل هم نداشتند. با سر هم بندی مدارک جعلی و تحصیلات حوزوی مشکوک شان یک شبه دکتر می شدند و با ترفندهایی که بر نامحرماتی چون ما پوشیده بود از نردبان ریاست صعود می کردند و خود را حتی تا مقام ریاست دانشکده نیز بر می کشیدند. همه‌ی آن اساتید در خشان روزهای نخست از دکتر شفافیه و بهمن جلالی و چهره‌های بی نظیری چون مرتضی ممیز، ابراهیم حقیقی و یوافت‌دراش، جلال شباهنگی، خانم محمص و اتیوهی که به مرور کنار رفتند و یا کنارشان گذاشته‌اند. این البته باعث توچه بودند که نیازمند تقاض هر آن و صعود از نردبان قابت و مقام ریاست دانشکده نیز بر می کشیدند. همه‌ی آن اساتید

در خشان روزهای نخست از دکتر شفافیه و بهمن جلالی و چهره‌های بی نظیری چون مرتضی ممیز، ابراهیم حقیقی و یوافت‌دراش، جلال شباهنگی، خانم محمص و اتیوهی که به مرور کنار رفتند و یا کنارشان گذاشته‌اند. متهمان، واقعی بودند که نیازمند تقاض هر آن و صعود از نردبان قابت و فرصت طلبی نویسگان بودند.

این اساتیدی که تا عمر دارم مدیونشانم مرا به اندیشیدن عمیق تر در باب هنر، ادب و فلسفه‌ی ایرانی تشویق کردند. از همان سال‌های ابتدایی دانشجویی، که لوک سیری ناپذیری برای یادگیری دانشم و وقتم میان کار نظری و عملی تقسیم می شد، با این پرسش درگیر بودم که چگونه ما به وضعیتی که در آئیم رسیدیم، آقای پاکباز مله از من می خواستند که کنار مطالعه و نقاشی و پژوهش، اندیشه‌هایم را در قالب مقاله‌های مطبوعاتی ثبت کنم. با تشویق و حمایت پیگیر او بود که من به مقاله نویسی روی آوردم و طبیعی بود که تمام سنت نقد در دهه‌های پیشین را زیر و رو می کردم و تا جایی که می توانستم به زبان فارسی و انگلیسی نقدهای هنری و متون فلسفی می خواندم. برخی از آن‌ها تراجمه می‌کردم

و البته به دلیل نابلدی‌ام در زبان، هرگز جرات انتشارشان را نداشتیم. یک بار که نه برای انتشار بلکه برای سنجش نثر چند مقاله درباریه‌ی ژان بودریار فرانسوی را به سردبیر مان دادم او چنان به وجد آمد که کل آن مقالات را به شاملو نشان داد که به گفته‌ی سردبیر ما من به دقت نوشته‌های مرا دنبال می کرد. او از آن نوشته‌ها که به گمانم نخستین معرفی این متفکر برای فارسی زبانان بود به عنوان بهترین متون فلسفی تجلیل کرده و خواسته بود که کل چند مقاله را در یک شماره منتشر کنند و تیتیر را هم خودش پیشنهاد کرده بود که کل مطالب با همان عنوان هم منتشر شدند: «ادبایی برای زشتی وجود ندارد.»

خطاره‌ی روزهای طولانی و پرلری که در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا می گذراندم، همچنان در ذهنم زنده است؛ و روزهایی که باولع کتاب‌هایی درباره‌ی هنر بومی می و جهانی را مطالعه می‌کردم و تلاش می‌کردم، به حافظه‌ی فرهنگی و تاریخی تصور بر تبقی بزمن، از نوشته‌های جورجو وازاری درباره‌ی هنر منان، نسانس گرفته تا سطورهای هنری و یوزانی از فرسک‌های ایلیالیی تالوز، بارنگارهای میکزیکی از منظرها و مینیاتوره‌ای چینی تا آثار هنر قدیم مصر، بین‌النهرین و هنر بومیان استرالیا، اینکاها، مایاها و آفریقا؛ همه‌ی این‌ها برای من صرفا مجسمه یا اشیای مرده نبودند. این آثار، چکیده‌ای از اندیشه‌های انسانی، تخیلات زنده و تاریخ زیست بشر در دوره‌های مختلف بودند، که من هر روز زیر و روی شان می‌کردم و از آن چه می‌خواندم و می‌موختم، یادداشت بر می‌داشتم.

بعدها، به ویژه در دوره‌ای که در تنظیم و تألیف آثار استاد پاکباز، از جمله «دیار و المعارف هنر»، مشارکت داشتیم، این آموخته‌ها عمق بیشتری یافت. در خلال پژوهش‌ها و مطالعه‌ی منابع هنری و تاریخی، ناخودآگاه دیداری من به‌طور مداوم با میراث هنر بومی و جهانی گره می‌خورد. این فرآیند، چه در بررسی آثار قدیمی و چه در تحلیل سبک‌های نوین این فرآیند چه در تحلیل سبک‌های نوین هنری شکل گرفته در وطن، حوادث تاریخ معاصر، تأثیری ماندگار بر دیدگاه هنری و آفرینش‌های بعدی من گذاشت. در کنار این مطالعات اغلب نمایشگاه‌های هنری در دهه‌ی شصت و هفتاد را دنبال می‌کردم و به تحلیل منطقتصاویر از طریق واژگان می‌پرداختم...

ادامه در سرچشمه (صفحه‌ی ۷)

موج بیداری

خودسوزی کار گر شهرداری زنجان؛ بازتابی از شکست ساختاری در حمایت از نیروی کار

هفت حوض— سادته خودسوزی یک کارگر شهرداری زنجان، نه تنها یک فاجعه انسانی است، بلکه زنگ خطری برای نهادهای مدیریتی و اجتماعی است تا به عمق بحرانهای کارگری و ناکارآمدی سیستم‌های حمایتی توجه کنند. به گزارش همدلی زنجان، در حالی که شهردار زنجان با بیان اینکه کارگرمتوفی «در شرایط روحی نامناسب تصمیم‌بندی گرفت»، سعی در توضیح این تراژدی دارد، این پاسخ به تنهایی نمیتواند توجیه گر واقعیت‌های پنهان پشت این اقدام تلخ باشد. تحلیل این رویداد نیازمند نگاهی چندبعدی به مسائل ساختاری، روانی، و اجتماعی است.

سکوت کارگر؛ نشانه بی اعتمادی یا نبود فضای امن برای گفتگو؟

شهردار زنجان تاکید می‌کند که کارگر مرحوم در دیدار با وی «از مشکلات خود چیزی بیان نکرده». اما این ادعا پرسشبرانگیز است. آیا سکوت کارگر نشان‌دهنده نبود فضای امن برای بیان مشکلات است؟

در بسیاری از محیط‌های کاری، ترس از پیامدهای شکایت (مانند اخراج، تبعیض، یا کاهش فرصتهای شغلی) موجب سکوت کارگران میشود. همچنین، ممکن است سیستم گزارشدهی و رسیدگی به شکایات در شهرداری زنجان به اندازه کافی شفاف یا در دسترس نبوده باشد. اگر کارگری حتی در ملاقات مستقیم با شهردار جرئت بیان مشکلات خود را ندارد، این نشان‌دهنده شکافی عمیق بین مدیریت و کارمندان است.

شهردار اشاره کرده که درخواست انتقال شغلی کارگر «در حال انجام بود». اما پرسش اینجاست: چرا انتقال شغلی به عنوان راهحل ارائه میشود؟ آیا این اقدام صرفاً برای دور کردن فرد از محیطی است که در آن تحت فشار بوده؟ انتقال شغلی بدون بررسی ریشه‌ای مشکلاتی مانند ازداد زیرینی، حقوق معوقه، ناهمنی شغلی، یا نبود بیمه درمانی، تنها مسکنی موقت است. به علاوه، تاخیر در اجرای چنین درخواستهایی (که احتمالاً بدلیل بوروکراسی کند است) میتواند امیدوی و ماندگاری را در کارگران تشدید کند.

تاکید شهردار بر «شرایط روحی نامناسب» کارگر، هر چند ممکن است بخشی از واقعیت باشد، اما خطر «انگ زدن صرف به فرد» و بیتوجهی به نقش نهادها را دارد. خودسوزی یک اقدام اعتراضی افراطی است که معمولاً ریشه در احساس بیبناهی، تبعیض سیستماتیک، یا تجربه طولانی مدت بیعدالتی دارد. اگر کارگر و ابعاد چتر اختلالات روانی بوده، آیا شهرداری به عنوان کارفرما خدمات حمایت روانی در اختیار کارمندان قرار میدهد؟ آیا بر نامه‌های برای شناسایی کارگران در معرض خطر و ارائه کمک‌های تخصصی وجود داشت؟ پاسخ منفی به این پرسشها، شهرداری را در قبال این فاجعه مسئول میکند.

بحران اقتصادی و فشار بر کارگران؛ زمین های نادیده گرفته‌شده

این تراژدی را نمیتوان بدون توجه به بستر اقتصادی ایران تحلیل کرد. تورم افسارگسیخته، دستمزدهای پایین، و ناهمنی شغلی، فشار روانی بر کارگران را به‌ویژه در شهرهای کوچکتر مانند زنجان افزایش داده است. بسیاری از کارگران شهر درها با قراردادهای موقت و بدون پوشش بیمه کامل کار میکنند که آنها را در برابر هر گونه بحران شخصی (مانند بیماری یا بدهی) آسیبپذیر میکند. سقوط رفاه اقتصادی میتواند امید به آینده را از بین ببرد و افراد را به اقدامات ناگهانی سوق دهد.

نیاز به پاسخگویی شفاف و اصلاحات ساختاری
در حالی که شهرداری زنجان این حادثه را ناشی از «تصمیم بدفردی» میدانند، جامعه نیازمند پاسخگویی شفاف است: آیا بررسی مستقلی درباره محیط کاری این کارگر و شکایتهای احتمالی دیگران انجام خواهد شد؟

— آیا سازوکاری برای دریافت شکایات کارگری در شهرداری وجود دارد؟

— آیا برنامه‌های آموزش مدیران برای شناسایی نشانه‌های

فشار روانی در کارمندان اجرایی شده است؟

از تراژدی تا تغییر

خودسوزی کارگر زنجان،ی فریادی خاموش است که از دل سیستم‌های ناکارآمد و بیتوجه به کرامت انسانی بر می‌آید. تا زمانی که نهادها مشکلات را صرفاً به «خطای فردی» یا «مشکلات روانی» تقلیل دهند، خرجه چنین فجایعی ادامه خواهد یافت. لازم است شهرداری ها و نهادهای کارگری با ایجاد سیستم‌های حمایتی، تقویت گفتوگوی شفاف با کارمندان، و رسیدگی فوری به درخواست‌ها، مانع تکرار این حوادث شوند. مرگ این کارگر باید آغازی برای بازنگری در سیاست‌های مدیریت منابع انسانی و تامین امنیت روانی – اقتصادی نیروی کار باشد.

دوست عزیز و ارجمند <p>جناب آقای احمد حسینی</p> <p>درگذشت پدر گرامی‌تان را به‌شما تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته رحمت و مغفرت و برای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم</p> <p>محمد بهرامی</p>



همنفس با مردم محمد بهرامی

کمتر کسی به وظیفه اصلی و قانونی یک نماینده فکر می‌کند و گاهی اوقات خود نمایندگان نیز توان بهره‌گیری کافی از ظرفیت حقوقی و قانونی خود را ندارند. میرهن است که نمایندگی منصبی است که از طریق انتخابات و رأی مردم فعالیت می‌یابد و نماینده مجلس، دارای مقام ملی است و هر یک از نمایندگان، منتخب حوزه انتخابیه معینی هستند اما نمایندگی آنان عام و از سوی همه ملت ایران است؛ چون بر اساس اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان به گونه‌ای سؤگند یاد می‌کنند که به معنای نمایندگی از طرف همه مردم کشور است، نه حوزه انتخابیه‌های خاص. بنابراین به معنای نفی از ناطق‌نمایندگان مردم حوزه انتخابیه‌ی خود نیست و دیگر اینکه نمایندگی با مری کلی است و در حدود اختیاراتی که به آن‌ها داده شده است به شکل گروهی تحت عنوان مجلس شورای اسلامی به وظایف خود عمل می‌کنند. همه‌ی دایم نمایندگان مجلس دو وظیفه اصلی دارند: ۱. قانون‌گذاری: بر اساس اصل هفتاد و یکم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی صلاحیت عام قانون‌گذاری بر عهده نمایندگان مجلس است و مجلس در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. ۲. نظارت بر حسن اجرای قوانین: به عبارتی مجلس علاوه بر وظیفه قانون‌گذاری، مسئولیت‌های نظارتی نیز بر عهده دارد: نظارت مجلس در تشکیل دولت و رای اعتماد به وزرا پس از معرفی آن‌ها توسط رئیس جمهور. این نقش نظارتی و حتی دخالتی مبین جایگاه این نهاد قانون‌گذاری است. در عین حال نمایندگان مجلس می‌توانند از یک سو به منظور رفع معضلات مردم طرح‌های قانونی پیشنهاد کنند و از سوی دیگر در قبال طرح‌های پیشنهادی شورای عالی استان‌ها نظر موافق یا مخالف خود را ابراز دارند. در همین حال نمایندگان مجلس از طریق عضویت در کمیته‌های هماهنگی استان‌ها بر مصوبات شورای عالی اشتغال و به همین سان بر عملکرد کمیته برنامه‌ریزی شهرستان نظارت می‌کنند. البته اختیارات دیگری که به نمایندگان مجلس محول شده و از آن‌ها چهره‌ای مهم و موثر ساخته است ولی در این میان فقط تعدادی از آن‌ها از این مواهب قانونی بهره‌ی بر ندر برای تأثیر گذاری در سر نوشت جمعی اهتمام می‌ورزند. یکی از این نمایندگان موثر و نقش آفرین دکتر نبی‌اله محمدی، نماینده مردم زنجان و طارم است که حقیقتاً تسلط خوبی به وظایف نمایندگی خود دارد و نقش کارکرده موثری در این نهاد تئینی ایفا می‌کند. محمدی، در کنار حضور فعال و تأثیر گذار در مجلس و حتی همراهی او با دولت و هماهنگی با آن در جهت کاستن از آلام عمومی و مشکلات مردم، وفای وسیعی با مردم حوزه انتخابیه خود ایجاد کرده است. او به واقع یک نماینده مردمی است و همواره در میان مردم بودن را در این ۹ ماه متوالی به اثبات رسانده است. در حالی که حتی مخالفان او نیز بر این خصلت حسنه‌ی محمدی صحه می‌گذارند. او در این مدت از هر فرصتی استفاده کرده است تا دیدار خود را با مردم تازه و پیوندش را پایدارتر نماید. محمدی، مناسبات ملی و مذهبی و حتی مناسبات‌های خانوادگی را به یکی از فرصت‌های مناسبی تبدیل کرده است تا از مجرای آن به تکرار با مردم پیوندد. او با همین مناسبت‌های متعدد آگاهانه می‌خواهد در کنار مردم و جامعه بماند. همانگونه که گفته شد محمدی در این مدت حمایت و همراهی جاناتای نیز از دولت دکتر پزشکیان نموده است و این راه از روی و امداد بودن خود به دکتر پزشکیان و برای پرداخت دین خود به ایشان که از قضا از سر ایمان به اخلاص و آرمان‌های بزرگ او به منصفی ظهور رسانده است. او نیک می‌داند دولت پزشکیان قصد گره‌گشایی از فرورستی‌های اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی دارد و همه‌ی این دغدغه‌ها برای رفاه عمومی و آرزوهای این بن‌بست‌هایی است که قلب جامعه را به تپش انداخته است و حل این مشکلات، چیزی جز ختمت به خلق و جلب رضایت خدای آن‌ها نیست، و از همین روست که او برای تحقق اهداف اصلی دولت می‌کوشد و با ابتلا ارزش‌های معنوی خویش در پی سعادت ملی است.

در مقابل حقوق مردم
با احدی تعارف ندارم

اعتبارات تملک
دارایی‌های سرمایه‌ای
استان در بودجه ۱۴۰۴
ارتقاء یابد

کم کاری در ایمنی
مدارس قابل قبول نیست

دغدغه‌ام کاهش شکاف
بین درآمد و بودجه
استان است

تسهیل پروژه‌های بخش
خصوصی کلید توسعه
استان است

سهم زنجان از
مالیات وصولی مازاد
بر مصوب پرداخت شود

رتبه بودجه زنجان
در تناسب با درآمدهای
مالیاتی نیست

تجهیز و تکمیل
بیمارستان شهدای طارم
در دستور کار قرار گرفت

افزایش بودجه
استان، جزو اولویت‌های
اصلی است

تعیین ساز و کار اجرایی
تسهیلات تکمیلی و
اشتغال در بودجه ۱۴۰۴

برقراری پروازهای زنجان
برای رونق
سرمایه گذاری است

وزرای اقتصاد، جهاد
کشاورزی و نیرو
پاسخگو باشند



نماینده مردم شریف زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی

دیدار اعضای مجمع نمایندگان استان زنجان با دکتر پزشکیان

موج بیداری - اعضای مجمع نمایندگان استان زنجان عصر روز شنبه مورخ ۲۷ مرداد ۱۴۰۳ با دکتر پزشکیان در دفتر ریاست جمهوری دیدار و گفتگو کردند. دکتر نبی‌اله محمدی در این دیدار ضمن عرض تبریک مجدد انتخاب آقای دکتر پزشکیان و تبریک دگشتان وفاق ملی و به کارگیری احزاب و سلیقه‌های مختلف در اداره امور عمومی کشور را تحسین کرد و بیان داشت: گفتگمان وفاق ملی بر اساس جدیدترین نظریه‌های مدیریت دولتی بر پایه گفتگمان عمومی است که در آن احزاب و سلیقه‌های مختلف ضمن احترام به هم از موانع توسعه استان بوده و به عبارتی زنجان از استان‌های محروم در زمینه ذخایر آب به شمار می‌رود. وی با اشاره به ضرورت تکمیل پروژه‌های سد شمیرا و سایر سدهای زنجان و طارم، مدیریت آب و اصلاح الگوهای کشت

غیرمجاز نیزه اشاره نموده و در ادامه در خصوص اشتغال و افزایش تولید پیشنهاد کرد در زمینه فرایند تخصیص اولیه ارز در وزارت صمت و تخصیص نهایی در بانک مرکزی جهت پیشگیری از وقفه در تولید به صورت سیستمی تسهیل ایجاد گردد. عضو کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات مجلس تحقق هر چه بیشتر اقتصاد مقاومتی را جهت توسعه انسانی مهم دانست و یادآور شد: توجه به بهداشت، مسکن، خوراکی، پوشاک بعنوان نیازهای اولیه همچنین بهبود پرورش های بیمه ای و تقویت صندوق‌های بازنشستگی از گام‌های کلیدی توسعه انسانی و افزایش رضایت مندی مردم از خدمات عمومی است و وی با اشاره به عدم توازن سرانه فضای آموزشی و کسری سرانه فضای آموزشی در شهر زنجان، توجه به ارتقای



اعلانات (۴)



رها سازی آب سد آیدو غموش در رودخانه قزل اوزن

سرچشمه-نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی گفت:آب سد آیدو غموش در رودخانه قزل اوزن رها سازی‌شد.

دکتر نبی‌الله محمدی خاطر نشان کرد:با توجه به کاهش دبی ورودی قزل اوزن در شهرستان طارم و اطلاع از وضعیت خشکی قزل‌اوزن در پایین‌دست شهرستان طارم بویژه بخش گیلوان پیگیری‌های لازم در این خصوص انجام‌شد.

وی تصریح کرد: در این راستا مذاکره با شرکت‌های آب منطقه‌ای دو استان زنجان و آذربایجان شرقی و وزارت نیرو جهت رها سازی هرچه زودتر آب سد آیدو غموش انجام‌گرفت.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی، گفت: خوشبختانه در نهایت اواخر هفته تفاهم نامه فی مابین دو شرکت آب منطقه‌ای زنجان و آذربایجان شرقی منعقد‌شد و طی پیگیری مجدد موضوع روز پنجشنبه ۲۸ تیر ماه رها سازی آب انجام‌شد و طی روزهای آتی آب به مزارع مقصد می‌رسد.

گفتنی است؛ رودخانه قزل‌اوزن یکی از طولیل‌ترین و زیباترین رودخانه‌های ایران است که از ارتفاعات کردستان سرچشمه می‌گیرد و از بخش جنوب‌غربی وارد خاک استان زنجان می‌شود که در آخرین مسیر خود قبل از خروج از محدوده استان زنجان، مسیر ۷۰ کیلومتری را از داخل شهرستان طارم طی می‌کند.

رودخانه‌ی قزل‌اوزن در زمانی که هنوز تر از دی مرگ رودخانه‌ها در کشور به صدا در نیامده بود، یکی از پسر آب‌ترین رودخانه‌های استان و پناه شالیزارها و باغ‌های بزرگ‌ترین باغ‌زیتون کشور بود که بارقه‌های امید را در دل کشاورزان نجور و زحمت‌کش این دیار می‌تاباند.

قزل‌اوزن که اکنون نفس‌های آن به واسطه خشکسالی، احداث چند سد مختلف بر روی آن، استفاده غیر مجاز و بی‌رویه کشاورزان از آب این رودخانه و مدیریت نشدن اصولی آب در حوضه‌های آبریز به شماره افتاده، شاهرگ حیاتی زندگی مردم آنی است که در آمدنی جز کشاورزی ندارند و با خشک شدن آن نه تنها اقتصاد آنان، بلکه اقتصاد استان به شدت ضربه خواهد خورد زیرا بخشی از اقتصاد استان به کشاورزی طارم به و ویژه زیتون گره خورده است.

سد آیدو غموش از جریان سطحی رودخانه آیدو غموش وجود می‌آید این رودخانه از شاخه‌های اصلی رودخانه قزل‌اوزن محسوب می‌شود.

سد آیدو غموش به منظور بهره‌گیری بیشتر از آب‌های سطحی و توسعه و بهبود آبیاری اراضی منطقه احداث شده است.

پیگیری ترمیم اعتبارات استان زنجان در رسیدگی به بخش دوم لایحه بودجه ۱۴۰۴

سرچشمه-جلسه‌مستتر کدکتر نبی‌الله محمدی نماینده مردم

شریف زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی، مهندس

بیات منش معاون عمرانی استانداری و مهندس خلارودی

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان با تاجگردون

رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس درخصوص

پیگیری بحث ترمیم اعتبارات استان زنجان در بخش دوم

بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴، عصر دیروز دو شنبه ۲۹ بهمن ماه

برگزار شد.

بازدید از روستای اندر طارم و دیدار با اهالی خونگرم آن

سرچشمه-نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس در سفر کاری خود به شهرستان طارم از روستای اندر بازدید و ضمن بررسی مشکلات اهالی خونگرم حاضر و اعضای محترم شورا و ریش سفیدان آن، موارد مطر و حه را پیگیری کرد

مهمترین مشکلات اهالی روستای اندر آب شرب و پمپاژ آب کشاورزی است که در تماس تلفنی با مدیر عامل آب و فاضلاب استان، مدیر کل جهاد کشاورزی و مدیر شرکت آب منطقه‌ای بحث و تبادل نظر شد.

مقرر گردید، مراحل اجرایی طرح آب شرب روستای اندر بزودی تکمیل و صدور پروانه پمپاژ آب کشاورزی با مساعدت لازم انجام شود.

بازدید از روستای شقاقی (چورزق) و دیدار با اهالی خونگرم آن

سرچشمه-دکتر نبی‌الله محمدی نماینده مردم شریف زنجان

و طارم در مجلس شورای اسلامی در دومین مقصد سفر کاری

خود به شهرستان طارم از روستای شقاقی (چورزق) بازدید

کرداز مهمترین مشکلات اهالی روستای شقاقی (چورزق)،

لاژیوبی قنات قدیمی و تکمیل دیوار حائل و سیل بند نیمه

کاره است.

مقرر گردید لاژیوبی قنات قدیمی روستا در کمترین زمان ممکن

انجام وی با پیگیری تحقق بودجه از محل ردیف‌های اعتبار استانی،

بزودی نسبت به تکمیل دیوار حائل و سیل بند اقدام شود

سرچشمه-دکتر نبی‌اله محمدی، نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس در خصوص انتقادات نسبت به پروژه انتقال آب قزل اوزن به دشت اردبیل گفت: مردم شریف طارم و استان زنجان و حتی سایر شهرهای واقع شده در حوزه آبریز قزل اوزن از استانهای دیگر که از قزل اوزن حق‌آبه دارند نسبت به انتقال آب از قزل اوزن به اردبیل، شهری که از قزل اوزن حق آبه‌ای ندارد احتمالاتی را مطرح و گلایه‌مند او را می‌پسیر هستند.

محمدی با اشاره به شواهد موجود در مورد

انتقال آب از قزل اوزن به شهر اردبیل تاکید کرد: به شخصه قرارداد این طرح را ندیده‌ام ولی استعلامات را از وزارت نیرو انجام دادم و منتظر وصول نتیجه هستم، احتمالا این طرح ملی یا مصوب استانی استان مربوطه است و بهتر است از مسئولان مرتبط خارج از استان و ملی پیگیری شود، اما انتظار می‌رود مسئولان مربوطه با نماینده مجلسی که حدود ۵ سال در مجلس فعالیت دارد از وجود یا عدم وجود چنین پروژه‌ای به‌صورت دقیق با خبر باشد. به شخصه پیگیر موضوع شدم و شواهد و قراین نشان می‌دهد که احتمالا چند کیلومتر از این خط انتقال از اردبیل به سمت آب کار شده است، چند کیلومتری که امکان دارد فاز دوم آن راهم به سمت سد شهریار استان آذربایجان شرقی هدایت کرد یا احتمالا به سمت نقاط دیگر قزل‌اوزن که برای اینجانب قابل قبول نیستا

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس افزود: در بررسی‌هایی که انجام داده‌ام، طبق گفته برخی نمایندگان از محل سد شهریار، حجم بالایی (مثلا ۵۰ میلیون متر مکعب) آب در گذشته برای اردبیل مجوز تخصیص گرفته شده است، از این رو نامه‌ای به شخص وزیر

نیرو ارسال نمودم و تقاضا کردم تا این مصوبات تعدد

امضاها و افرادی که این مصوبه را امضا کرده‌اند اعلام

شود. مطابق گفته تعدادی از نمایندگان؛ از سد شهریار

حق آبه برای شهرهای اردبیل و خلخال و کوثر از

استان اردبیل، گیلان، زنجان(طارم) تعریف شده است.

ما نیز خواستار دریافت مدرکی که حاکی از قانونی

بودن این اختصاص آب به شهر اردبیل باشد، هستیم.

تخصیص هابرای عموم و ماروشن نیست و ضروری

سرچشمه-نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس در خصوص

انتقادات نسبت به پروژه انتقال آب قزل اوزن

به دشت اردبیل گفت: مردم شریف طارم و

استان زنجان و حتی سایر شهرهای واقع شده

در حوزه آبریز قزل اوزن از استانهای دیگر

که از قزل اوزن حق‌آبه دارند نسبت به انتقال

آب از قزل اوزن به اردبیل، شهری که از قزل

اوزن حق آبه‌ای ندارد احتمالاتی را مطرح و

گلایه‌مند او را می‌پسیر هستند.

محمدی با اشاره به شواهد موجود در مورد

انتقال آب از قزل اوزن به شهر اردبیل تاکید

کرد: به شخصه قرارداد این طرح را ندیده‌ام

ولی استعلامات را از وزارت نیرو انجام دادم

و منتظر وصول نتیجه هستم، احتمالا این طرح

ملی یا مصوب استانی استان مربوطه است و

بهرتر است از مسئولان مرتبط خارج از استان و

ملی پیگیری شود، اما انتظار می‌رود مسئولان

مربوطه با نماینده مجلسی که حدود ۵ سال در

مجلس فعالیت دارد از وجود یا عدم وجود

چنین پروژه‌ای به‌صورت دقیق با خبر باشد. به

شخصه پیگیر موضوع شدم و شواهد و قراین

نشان می‌دهد که احتمالا چند کیلومتر از این

خط انتقال از اردبیل به سمت آب کار شده

است، چند کیلومتری که امکان دارد فاز دوم

آن راهم به سمت سد شهریار استان آذربایجان

شرقی هدایت کرد یا احتمالا به سمت نقاط

دیگر قزل‌اوزن که برای اینجانب قابل قبول

نیستا

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس افزود:

در بررسی‌هایی که انجام داده‌ام، طبق گفته

برخی نمایندگان از محل سد شهریار، حجم

بالایی (مثلا ۵۰ میلیون متر مکعب) آب در

گذشته برای اردبیل مجوز تخصیص گرفته

شده است، از این رو نامه‌ای به شخص وزیر

نیرو ارسال نمودم و تقاضا کردم تا این مصوبات تعدد

امضاها و افرادی که این مصوبه را امضا کرده‌اند اعلام

شود. مطابق گفته تعدادی از نمایندگان؛ از سد شهریار

حق آبه برای شهرهای اردبیل و خلخال و کوثر از

استان اردبیل، گیلان، زنجان(طارم) تعریف شده است.

ما نیز خواستار دریافت مدرکی که حاکی از قانونی

بودن این اختصاص آب به شهر اردبیل باشد، هستیم.

تخصیص هابرای عموم و ماروشن نیست و ضروری

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس:

حقوق مردم از هر چیزی اولی تر است

تا نتیجه استعلام مصوبه تخصیص آب از سد شهریار یا قزل اوزن را نبینم و پشتوانه حقوقی مستندات آن را بررسی نکنم، هیچ نامه‌ای را امضا نمی‌کنم



است تا اوزن تیر و این مدارک را به نماینده‌های زنجان و طارم در مجلس هم ارائه کند.

این نماینده اظهار دلشت: مصوبه یا مجوز تخصیص آب از محل قزل اوزن (سد شهریار) به شهر اردبیل باید ارائه شود تا ابعاد حقوقی و منطقی موضوع برای پیگیری‌های بعدی روشن شود.

محمدی از پیگیری‌های مربوطه از دفتر ریاست جمهوری و وزارت نیرو و خبر داد و گفت: البته در صحن

کم کاری در ایمنی مدارس قابل قبول نیست

در صحن علنی مجلس بودم و بلافاصله پس از اطلاع، موضوع از معاون وزیر آموزش و پرورش، مدیر کل آموزش و پرورش استان زنجان و معاون سیاسی و امنیتی استانداری پیگیری کردم، بر اساس بررسی‌های اولیه، علت آتش سوزی احتمالا اتصالات برقی بوده است.

نماینده مردم زنجان و طارم افزود: خوشبختانه در این حادثه هیچ‌یک از دانش‌آموزان دچار سوختگی نشدند، اما تعدادی از آن‌ها بر اثر استنشاق دود دچار مصدومیت شدند و تحت مداوای سرپایی قرار گرفتند. همچنین برخی از دانش‌آموزان به دلیل استرس و اضطراب ناشی از حادثه نیاز به مراقبت دارند.

بازدید میدانی محمدی از روستاهای بخش مرکزی

آن در سال آتی اقدام شود. وی در بازدید از مدارس آزاد سفلی و قینرجه به بهره‌برداری از ظرفیت بی‌بدیل خیرین مدرسه ساز اشاره کرد و افزود: با توجه به نیاز احصاء شده و پیگیری‌های لازم برای تعمیرات این مدارس، یکی از خیرین‌گرانقدر در خصوص آسفالت محوطه مدرسه و تهیه برخی تجهیزات نوسازی آن‌ها اعلام آمادگی نموده است.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه مجلس شورای اسلامی در ادامه تصریح کرد: برای تعیین آب پایدار روستاهای سهله، آزاد سفلی و علیا، قره تپه و رامین صحبت‌های اولیه انجام شد همچنین لای روبی چشمه‌های تامین آب روستای

قینرجه نیز در دستور کار آبقرار گرفت. محمدی با اشاره به

مشارکت و خودیاری روستاییان در عمران و آبادانی روستا،

گفت: بهسازی مسیر خاکی بین روستایی، بعد از قینرجه

تا آلاچمن نیز به شرط باامناع بودن از سوی سازمان‌های

ذیربط‌ساز ای راه کاری کل راهداری و امور حمل و نقل جاده‌ای

در اسرع وقت انجام خواهد شد.

استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی و دیگر نماینده زنجان و طارم از سازمان برنامه و بودجه درخواست اعتبار ویژه برای تملک اراضی و اتمام سد شهریار داشتند و این نامه لزوماً نامه غلطی نیست و برای هر طرحی می‌تواند باشد اما از آنجایی که در نامه مذکور اسم شهر اردبیل در کنار شهرهای خلخال و کوثر استان اردبیل ذکر شده و شهر داری حق آبه از استان زنجان فقط طارم ذکر شده بود. اینطور برداشت می‌شود که آب تخصیص یافته از محل سد شهریار متعلق به اردبیل، کوثر و خلخال از استان اردبیل، استان گیلان و طارم استان زنجان و میانه استان آذربایجان شرقی است.

محمدی اضافه کرد: این نامه را جهت امضا تحویلم دادند اما با توجه به ابهامات موجود و عدم دریافت استعلامات مربوط به مصوبات تخصیص آب و میزان تخصیص،

امضا نکردم! چرا که با این امضا بدون

دریافت نتیجه استعلامات تخصیص آب

تلویحا تایید می‌شد که شهر اردبیل از محل

سد شهریار حق آبه دارد اما چنین موضوعی

را بدون ارائه مستندات و دلیل قبول ندارم!

و فقط حوزه آب ریز این حق را دارند!

چندین بار برای امضا گرفتن از اینجانب

و از همکارانم در دفتر نمایندگی مجلس

خواستند.د ناظر مثبتم را جلب کنند اما در

مقابل حقوق مردم با احدی تعارف ندارم.

فعلا قضایوتی در مورد امضا کنندگان این

نامه هم نمی‌کنم اما مصوبه این انتقال که

گفته می‌شود مربوط به سالیان گذشته است

هنوز به دستم نرسیده و منتظر دریافت پاسخ

استعلام هستم و شاید امضا کنندگان در

جریان جزئیات آن قرار گرفته‌اند که این

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و

پشتوانه حقوقی را با کارشناسان مربوطه بررسی کنم تا

به مردم گزارش کنم. اخیرا نیز مکتوب و حضوری از

دفتر رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نیرو پیگیری‌های را در مورد پروژه‌های مرتبط با آب

نامه را امضا کرده‌اند اما من فعلا مصوبه حق

آبه اردبیل و زنجان و سایر و تخصیص‌های آب را

وصول نکردم پس لزومی به امضای منم و همچنان

مصمم هستم که این مصوبه و مستندات را ببینم و



افزایش اضافه کار پرستاران و کارکنان بالینی بیمارستان‌ها از ابتدای آبان ماه اعمال می شود

قیصریه -دکتر نبی اله‌محمدی نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی در مراسم افتتاح بخش SCU بیمارستان ولیعصر(عج)گفت:

-افزایش ۲۰درنیمه برابری اضافه کار پرستاران و کارکنان بالینی با تلاش کمیسیون های مختلف در مجلس و به همت وزارتخانه انجام و از ابتدای آبان ماه سالجاری اعمال می شود.
-با پیگیری مجمع نمایندگان استان و دکتر سرداری رئیس محترم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان،بخشی از بودهی این دانشگاه از محل اعتبارات تأمین اجتماعی پرداخت می شودوسایر تخصیص هاتا پایان سال اعطای می شود.

افتتاح بخش درمان سکنه حد مغزی با حمایت خیرین اقدامی خلاقانه‌ستلبوده جای تقدیر و تشکر دارد.

تخصیص اعتبار برای تسویه معوقات کادر در مان؛اعتبارات پرسنلی سازمان برنامه و بودجه

اعلانات پرداخت معوقات کادربهداشت در مان و آموزش پزشکی زنجانبتخصیص اعتبارات پرسنلی سازمان برنامه و بودجه کشور،محقق می شود.

دکتر نبی اله محمدی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، با اشاره به طرح موضوع در جلسه مجمع نمایندگان استان با حضور رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور، گفت: پرداخت معوقات پرستاران و کادر درمان اعم از کارانه، اضافه کار و سایر موارد یکی از مطالبات اصلی نیروهای شاغل در بیمارستان ها بوده و ماههاست که به تعویق افتاده است.

وی با اشاره به کاهش درآمدهای بیمارستانها و لزوم حمایت از پرسنل آن، افزود: زحمات پرستاران و کادر درمان که فداکارانه برای مراقبت و نجات بیماران از جان مایه می گذارند، شایسته قدردانی است و پرداخت مطالبات آن ها در کمترین زمان ممکن باید انجام شود.گفتنی است در این جلسه رئیس دانشگاه علوم پزشکی همچنین رئیس و معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان حضور داشتند.

بازگشت کارگران شرکت تسکوزنجان به کارخانه

قیصریه -بازگشت به کار کارگران شرکت تسکو پایگیری نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی، امیدبخش توسعه اقتصادی و رونق چرخه تولید است.

نبی اله محمدی نماینده مردم شریف زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی در دیدار با مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان به بررسی مشکلات کار و کارگران همچنین الزامات اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اشاره کرد و گفت: در بررسی گزارش ختانه کارگر، عدم تمدید قرارداد در روند کاری تعدادی از کارگران شرکت تسکو رویت شد که پیگیری نماینده محترم، با مساعدت مسئولین استانی و همکاری مدیران شرکت مذکور موجب بازگشت به کار کارگران شد. وی با تأکید بر ساماندهی کارگران با حفظ و تثبیت روابط عادلانه کار بین دولت، کارفرما و کارگر، افزود: تکريم کارگران و تقویت نظام جبران خدمات عامل مهم در افزایش انگیزه و رشد تولید است.دکتر محمدی با تأکید بر تناقض در نرخ بیکاری اعلام شده و درآمد سرانه استان گفت: در حال حاضر پراختی کارگران در سطح حداقل هاست و این امر سبب شده با وجود آمارهای پایین در نرخ بیکاری برای استان شاهد درآمد آمارسرتناپایین نیز هستیم.نمایندهمردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی با اشاره به حفظ امنیت، بهداشت، نشاط و تندرستی در محیط‌های کارگری همراه با آرامش، ادامه داد: بهبود معیشت کارگران و خانواده های آن هاباباز تعریف بسته‌های تشویقی برای تحقق رفاه اجتماعی در جامعه ضرورت داردوی افزود: مشکلات شرکتهای تعاونی مصرف تولیدی، کشاورزی ویژه تعاونی‌های مسکن باید در اسرع وقت بررسی و راهکار های لازم در چارچوب قانون احصاء و مساعدت های لازم برای حل و فصل موارد اعلامی انجام شود

پیگیری ترمیم اعتبارات استان زنجان در رسیدگی به بخش دوم لایحه بودجه ۱۴۰۴

قیصریه -جلسه مشترک دکتر نبی اله محمدی نماینده مردم شریف زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی، مهندس بیات مش معاون عمرانی استانداری و مهندس خدایدی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان با تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در خصوص پیگیری بحث ترمیم اعتبارات استان زنجان در بخش دوم بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴، روز صورت دو شنبه ۲۹ بهمن ماه برگزار شد.

قیصریه -نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی گفت: سال گذشته بخشی از اعتبارات طرح تملک دارایی های سرمایه‌ای جذب نشد ولی امسال یکی از معیارها برای ارزیابی عملکرد استاندار و مدیران از وظایف نظارتی نمایندگی جذب به موقع اعتبارات طرح تملک دارایی های سرمایه‌ای خواهد بود.

نبی اله محمدی روز سه شنبه ۲ بهمن ماه در نشست خبری با اصحاب رسانه استان اظهار کرد: سهم استان زنجان از حیث درآمد ۱۵ درصد و از حیث بودجه ۱۲ درصد است، از این رو شاهد یک شکاف در این بخش هستیم که تلاش و پیگیری برای کاهش شکاف را دنبال می کنیم.افزایش بودجه استان زنجان جزو اولویت های استان است.

وی تصریح کرد: الزام درآمدها و هزینه‌ها در یک استان نباید برابر باشد. ما در وصول درآمدهای مالیاتی رتبه ۱۲ الی ۱۴ کشور و در اعتبارات از منابع ملی و استانی رتبه ۱۷ را داریم که شکاف است؛ این موارد باید مورد توجه باشد.

محمدی با بیان اینکه سهم استان زنجان از حیث پروژه‌های ملی از متوسط کشوری کمتر است، افزود: در رابطه با این موضوع با مدیران برنامه و بودجه جدل داشتیم. این شکاف کاملاً وجود دارد و مکاتباتی در این رابطه داشته‌ایم و معتقدیم این شکاف باید رفع شود.دنبال این هستیم ظرفیت را بالا ببریم.

نماینده مرد زنجان و طارم در خانه ملت در ادامه با اشاره



به سهم استان از مازاد درآمد مالیاتی، خاطر نشان کرد: ۵۰ درصد این درآمدها باید به استان برگردد و با اولویت هزینه در مناطق محروم هزینه شود ولی در این زمینه اهمال شده است. در زمینه حقوق دولتی معادن هم شاهد چنین نقصی هستیم و مایپگیری و مکاتبات متعددی در این خصوص داریم. دکتر نبی اله محمدی در بخش دیگری از سخنان خود به پیگیری مسائل مختلف استان از دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی اشاره کرد و افزود: نگاه سازمان برنامه و بودجه به زنجان این بود که این استان از محل مالیات و حقوق دولتی معادن درآمد اختصاصی دارد و این امر البته



تعیین سازو کار اجرایی تسهیلات تکمیلی و اشتغال در بودجه ۱۴۰۴

حداکثر تا پایان اردیبهشت سال ۱۴۰۴ به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال کنند. وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است حداکثر تا پایان خرداد ۱۴۰۴ سهمیه هر یک از دستگاه‌های اجرایی را به تصویب هیأت امنای حساب ملی پیشرفت و عدالت رسانده و جهت اجراء ابلاغ نماید.

۳)وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه اجرایی مربوط موظفند «بسته‌های سرمایه گذاری بدون نام» موضوع ماده (۷۷) قانون تأمین مالی تولید و زیر ساخت‌ها در بخش های مختلف اقتصادی که به تصویب دستگاه‌های اجرایی و استانداری ها می رسد را در اولویت پرداخت تسهیلات قرار دهند.

۴)وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است منابع اجزای ۱(ا) تا ۸(ا) بندالفاب «ب» این تبصره را از طریق سپرده گذاری در بانک‌ها با اولویت بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی

افزایش بودجه استان جزو اولویت‌های اصلی است



موجب کم توجهی در بودجه استان می شد و ما تلاش کردیم تا مسئولان راقانع کنیم که این مؤلفه‌های تشویقی نباید تأثیری در بودجه استان داشته باشد.

وی همچنین به نقش نمایندگان در انتصابات مدیریتی نیز اشاره کرد و یادآور شد: اگر مدیری به استان بیاید و ضعف‌ت را فر د قبلی باشد برای نمایندگان قابل قبول نیست مخصوصاً بخش های سیاسی. البته به این نکته نیز

باید اشاره کرد که استاندار زنجان در ابتدای حضور خود در استان عنوان کرده است که نمایندگان فردی را به وی معرفی نکنند و تا به امروز هیچ کدام از نمایندگان استان کسی را برای پستی معرفی نکرده‌اند البته در برخی موارد



و صندوق‌های حمایتی اشتغال به عنوان عامل، با سازو کار تسهیلات تلفیقی با نرخ ترجیحی، برای برنامه‌های تولید و اشتغال در سطح ملی و استانی اختصاص دهد. همچنین استفاده از منابع صندوق توسعه ملی با رعایت اساسنامه آن مجاز است.

۵) دستور العمل اجرایی این تبصره مشتمل بر نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده گذاری، مؤسسات عامل، میزان مشارکت مؤسسات عامل با اولویت بندی فعالیت‌ها، رشته‌ها و مناطق هدف، نحوه توزیع تسهیلات و فرایند بررسی و تصویب طرح‌ها، حداکثر تا دو ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه و به تصویب هیأت امنای حساب ملی پیشرفت و عدالت موضوع جزء ۳(ب) بند «ج» تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۲ خواهد



سهم زنجان از مالیات وصولی مازاد بر مصوب پرداخت شود

وزارت اقتصاد و بانک مرکزی باید در مهار نقدینگی اهمال نکنند. دکتر محمدی در سخنانی فشار زیاد مالیاتی بر روی اصناف را یادآور شد و گفت: امروز بکارگیری برخی مشاوران در سازمان امور مالیاتی کشور با انتقاد زورپوست و گزارش وصول شبه نشان می دهد. عده ای از این مشاوران نقش مشاور خیلی واقعی را ندارند و در شرایطی که محدودیت منابع داریم نمی توانیم حقوق گرفت. به چنین افرادی که نیاز نداریم، پرداخت کنیم.

گفتنی است در ادامه نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به خواسته معاونت امور بانکی و وزارت اقتصاد که از نمایندگان انتظار داشت

وام‌های تکلیفی را افزایش ندهند، گفت: ما نماینده مردم

از مجمع نظر خواسته شده که نظرات مشورتی ارائه شده است.

محمدی در ادامه به پیگیری برای جذب سرمایه گذاران در استان اشاره کرد و ادامه داد: جذب سرمایه گذار وظیفه اجرائی است و البته نمایندگان در این حوزه نقش عرفی دارند و ما از این منظر وارد موضوع شده‌ایم. وی به معطلی پروژه ۲ بانده شدن خط راه‌آهن زنجان- قزوین اشاره کرد و ادامه داد: تکمیل این طرح هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که البته این هزینه، آورده هم خواهد داشت. این طرح پیشرفت ۸۵ درصدی دارد که بر زمین مانده است.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی در خصوص ایفای مسئولیت اجتماعی صنایع در استان نیز گفت: در این خصوص جذب اعتباراتی از محل مسئولیت اجتماعی صنعت نفت را دنبال کرده که به نمر رسیده است. در خصوص مسئولیت اجتماعی سایر شرکت‌ها و صنایع هم پیگیری های لازم را داریم تا در هر جایی که نیاز این موضوع محقق شود. محمدی به ضرورت تکمیل طرح‌های نیمه تمام از جمله روزشگاه ۱۵ هزار نفری اشاره کرد و گفت: این طرح تا شهر یورماه سال آینده تکمیل می شود. وی خاطر نشان کرد: من نماینده و خادم مردم شریف زنجان و طارم هستم و تعهدی دارم و میثاق نامه‌ای به جز این ندارم. اول و آخر به مردم پایبند بوده و مکلف به حفاظت از حقوق کل مردم هستیم.



وزیر اقتصاد، جهاد کشاورزی و نیرو پاسخگو باشند

رسید. وزارت کشور به اعضای هیأت امنای حساب ملی پیشرفت و عدالت اضافه می شود. شورای برنامه ریزی و توسعه استان، هیأت امنای حساب استانی پیشرفت و عدالت است و استاندار ریاست این هیأت امناء را بر عهده دارد.

۶) نرخ سود سپرده گذاری منابع مذکور در بانک‌های عامل و نهادهای مالی حداقل یک درصد (۱ درصد) و نرخ سود تسهیلات اعطایی متناسب با میزان مشارکت منابع نظام بانکی، صندوق کارآفرینی امید و صندوق توسعه ملی تعیین می‌گردد.

۷) استفاده از منابع این تبصره برای هزینه‌های جاری و پشتیبانی دستگاه‌های ذی ربط تحت هر عنوان ممنوع و اداری است و تسهیلات به کسب و کارهای خانگی و کارگاه‌های خرد با رعایت بند (ب) ماده (۶) قانون برنامه هفتم پیشرفت است.



بانک مرکزی در اعطای تسهیلات خرد قصور دارد، تخصیص اعتبار با بهره کم، به بخش مسکن، فرزندآوری و ازدواج به سختی انجام می شود.



هستیم و نه دولت؛ در مقطع فعلی خلقات بانک‌ها به مردم مخصوصاً اقشار متوسط پایین متناسب با نیاز آنها نیست و باید افزایش یابد.

شایان ذکر است در این جلسه در خصوص کسری بودجه سال ۱۴۰۳ و راهکارهای جبران آن، واردات خودروهای خارجی جهت تنظیم بازار خودرو در آتیه، تسهیل در روند رجیستر گوشی های تلفن همراه و اداری تا بازار، تسریع در پرداخت تسهیلات مربوط به بخش تولید و اشتغال همچنین پرداخت به موقع وام ازدواج و وام فرزندآوری به متقاضیان، لزوم افزایش معافیت‌های مالیاتی اقشار کم درآمد و اصناف و نیز تدوین بودجه سال ۱۴۰۴ بحث و گفتگو شد.



به اتمام رسیده همچنین راه روستایی محور حیث تا چرلاگوش به سمت مشمبادر حال انجام است و ترمیم آسفالت اتوبان در محور سه راهی نیک بی تالووک آباد از زنجان تاحوزه استحفاظی میانه بزودی آغاز خواهد شد. وی لزوم رعایت قوانین و مقررات در تنظیم قراردادهای کارگری و تلاش در اشتغال زایی بیشتر و گسترش و رونق اقتصادی را یادآور شد و افزود: نظارت و پیگیری در خصوص عدم تمدید قراردادهای کارگران تسکو از طریق شرکت سهامدار اصلی انجام شده و امیدواریم در آینده نزدیک شاهد بازگشت به کار این کارگران باشیم.

دکتر محمدی از برگزاری جلسه با شرکت های تعاونی روستایی استان و پیگیری مشکلات و راهکارهای اجرایی، گفت: در دیدار صمیمانه با خانواده های معظم شهدا و اهالی روستاهای ساری کند، انجمن، میثاق و تعدادی روستا در جای پاره نیز برخی از مشکلات در حوزه آب و طرح هادی مطرح و قول مساعد برای نظارت در روند رسیدگی و انجام آن داده شد.

برقراری پروازهای زنجان برای رونق سرمایه گذاری است

قیصریه -نمایندگان استان زنجان در مجلس شورای اسلامی برای حمایت از ایجاد پروازهای داخلی و خارجی مستمر در فرودگاه بین المللی شهنازی زنجان پیگیری شنند. نبی اله محمدی با اشاره به تلاش و پیگیری های مکتوب از وزیر راه و شهرسازی و سایر مسئولین ذیربط، گفت: برقراری پروازهای داخلی و خارجی در فرودگاه زنجان ضمن رضایت عمومی شهروندان در جا به جایی ها، زمینه ساز توسعه و تسهیل کننده حضور سرمایه گذاران در استان خواهد بود.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس از پیگیری های ارزشمند مهندس سید جمال موسوی عضو هیات نئسه کمیسیون عمران مجلس و کمیته حمل و نقل هوایی کشور تقدیر و تشکر کرد و اظهار داشت: انجام مکاتبات متعدد با مسئولین مربوطه و برگزاری جلساتی با دکتر اسنانودی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل هواپیمایی کیش ایر در برقراری پروازهای زنجان به کیش و بالعکس در هفته های آتی، گامی موثر در گسترش و بهبود وضعیت برنامه پرواز های داخلی می باشد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، تأکید کرد: برقراری مستمر پروازها فرودگاه زنجان به مقصد مشهد، کیش، تهران، عنبات علیابت و بالعکس باید در دستور کار قرار گیرد تا با عملیاتی شدن آن ضمن درآمذایی و رونق به ایجاد ارزش افزوده و جذب سرمایه گذار کمک کنیم.



وزرای اقتصاد، جهاد کشاورزی و نیرو پاسخگو باشند

قیصریه -دکتر نبی اله محمدی روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ در نشست علنی صحن مجلس شورای اسلامی خطاب به وزرای دولت، گفت: تعیین تکلیف نیروهای شرکتی به علت نیاز دائمی دستگاه‌ها به خدمات شاغلین، ضرورت دارد و باید تبدیل وضعیت شود.
بهای تمام شده مسکن ملی نیاز به مدیریت دارد. جانمایی و احداث مسکن ملی در برخی موارد درست نبوده و توجه ندارد و مستلزم توسعه است.

وزیر محترم جهاد کشاورزی: استان زنجان دارای محدودیت‌های آبی بوده و نیازمند توجه در حوزه آبیاری مدرن می باشد.

وزیر محترم نیرو: موضوع تکمیل سد مشمپا را تعیین تکلیف کنید، امروز بخش خصوصی تمایل به سرمایه گذاری برای تکمیل این سد دارد.

احداث سدهای کوچک مقیاس در طارم و قره پشتلو ضروری است

وزیر محترم اقتصاد:

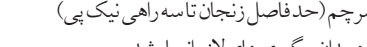
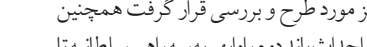
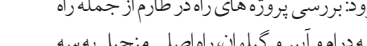
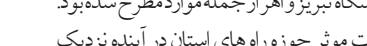
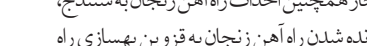
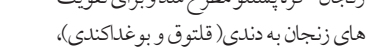
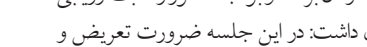
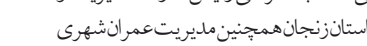
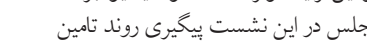
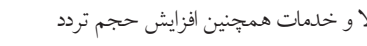
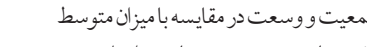
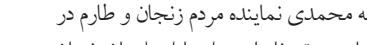
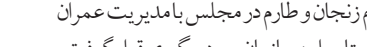
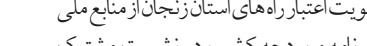
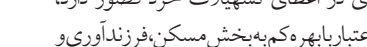
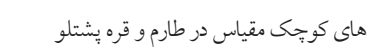
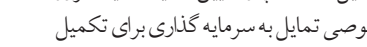
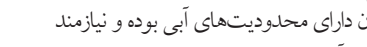
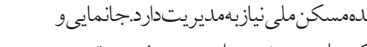
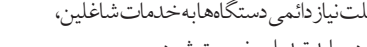
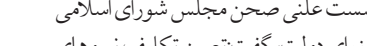
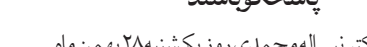
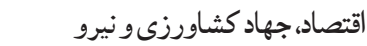
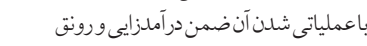
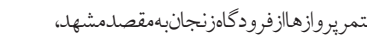
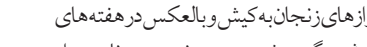
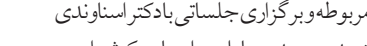
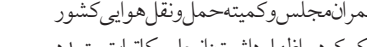
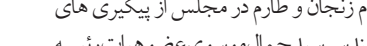
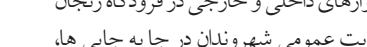
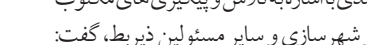
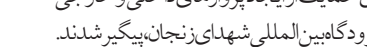
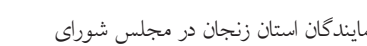
بانک مرکزی در اعطای تسهیلات خرد قصور دارد، تخصیص اعتبار با بهره کم، به بخش مسکن، فرزندآوری و ازدواج به سختی انجام می شود.



پیگیری تقویت اعتبار برای پروژه های راه استان زنجان

قیصریه -تقویت اعتبار راه های استان زنجان از منابع ملی در سازمان برنامه و بودجه کشور، در نشست مشترک نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس با مدیریت عمران شهری و روستایی این سازمان مورد پیگیری قرار گرفت. دکتر نبی اله محمدی نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس با اشاره به رتبه نامناسب اعتبارات استان زنجان به نسبت جمعیت و وسعت در مقایسه با میزان متوسط کشوری، گفت: با توجه به مسیر های مواصلاتی در ترانزیت کالا و خلقات همچنین افزایش حجم تردد وسایط نقلیه در جابه جایی مسافر، راه های استان زنجان نیاز به ترمیم و رسیدگی دارد و تقویت اعتبارات عمرانی استان در بهبود این فرآیندها است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در این نشست پیگیری روند تأمین اعتبار عمرانی استان با همراهی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان زنجان همچنین مدیریت عمران شهری و روستایی سازمان برنامه و بودجه کشور را مثبت ارزیابی کرد و عنوان داشت: در این جلسه ضرورت تعریض و توسعه جاده زنجان- قره پشتلو مطرح شد و برای تقویت اعتبارات راه های زنجان به دندلی (قفلتق و بوغلاکندی)، زنجان به بیجار همچنین احداث راه آهن زنجان به سنندج، تکمیل دو بانده شدن راه آهن زنجان به قزوین بهسازی راه زنجان به دانشگاه تبریز و اهراز جمله موارد مطرح شده بود. وی از اقدامات موثر حوزه راه های استان در آینه نزدیک خبر داد و افزود: بررسی پروژه های راه در طارم از جمله راه اصلی کلور به درام و آبپر و گیولان، راه اصلی منجیل به سه راهی درام نیز مورد طرح و بررسی قرار گرفت همچنین در خصوص احداث بانددوم راه راهبر به سه راهی سلطانیه تا به زنجان و سرچم (حد فاصل زنجان تا سه راهی نیک بی) و سلطانیه به همدان پیگیری های لازم انجام شد.

موج پیداری





دهه‌ی هفتاد به بعد عصر طلایی کتاب در ایران

دکتر سینا جهان‌دیده



تصور کتاب‌بازان که‌ها استعاره‌ی سانسوراقت‌بال جمع‌آوری کتاب‌های عتیقه‌ی قبل از انقلاب هستند،با اِختِراف کرد متاسفانه‌در قبل از انقلاب در دهه‌ی حوزه‌های علوم انسانی با کمبود منابع مواجه بودیم. در قبل از انقلاب با نادیده گرفتن چند کتاب نه در زمینه‌ی فلسفه کتاب‌های خوبی وجود داشت و نه در زمینه‌ی روان‌شناسی و اسطوره و فیلم و روایت و زیبایی‌شناسی. اما از دهه‌ی هفتاد به بعد در عرصه‌ی کتاب نه یک انقلاب بلکه انقلاب‌های متعدد اتفاق افتاده است. ما قبل از دهه‌ی هفتاد چند کتاب خوب دربار‌ی نقد ادبی داریم؟ چند فیلسوف بزرگ غربی رامی‌شناختیم؟ از سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تأسیس شد تا سال ۵۷ یعنی در طول چهل و چند سال جز در برخی زمینه‌ها صنعت کتاب و نشر دانش آنچنان رشدی نکرده بود. دربار‌ی فلسفه‌ی غرب ترجمه‌های بزرگ هنوز شکل نگرفته بود. اگر ترجمه‌های از تاریخ ویل دورانت و ماله وجود داشت هنوز باید بسیار صبر می‌کردیم تا کتاب‌های تاریخی و فلسفی جدی ترجمه و نشر می‌شدند. بسیاری از ما دربار‌ی نیچه چیز زیادی نمی‌دانستیم. با آن که سال‌تر در ایران شهرت زیادی داشت، تنها چند ترجمه جدی دربار‌ی او وجود داشت. هیچ‌کس نه هوسرل رامی‌شناخت نه وی‌تگن‌شتاین را. از فروید یک ضد دین ساخته بودند که دین را توهم می‌دانست. همه‌ی آثار مارکس شعاری و غیر واقعی ترجمه شده بود. اگرچه کتاب‌های پرودود منتشر شده بود اما کسی نمی‌دانست اسطوره چیست. تنها چند ناشر جدی وجود داشتند که کارهای اصیل چپ می‌کردند مثل نشر بنگاه ترجمه، فرانکلین، نیل و امیر کبیر، آگاه، جاویدان و مرورید و زمان…

من این سه دهه، یعنی از دهه‌ی هفتاد به بعد را در حوزه‌ی کتاب عصر طلایی کتاب در ایران می‌دانم. زبان فارسی در این سه دهه در زمینه‌ی علوم انسانی بسیار پویا شده است. در این سه دهه اگرچه مترجمان بد فراوان آمدند و رفتند اما در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، این همه مترجم خوب نداشته‌ایم. بارها گفته‌ام اکنون زبان فارسی می‌تواند اندیشه‌های هایدگرو و یگن‌شتاین را توضیح دهد. ایرانیان در حوزه‌ی فلسفه بسیار رشد کرده‌اند. زبان فارسی برای رمان و داستان پویا تر شده؛ چنان‌که رمان‌های خوبی در این سه دهه نوشته شده است. هزاران رمان جدی ترجمه شد.

بزرگ‌ترین چهره ادبی جهان معرفی شدند.

با این همه باز در دست‌و دوشی ها، کتاب‌بازان زیادی هستند که از کتاب‌های قبل از انقلاب حرف می‌زنند. درست است که رخداد انتشاراتی‌های نیل و زمان در دهه‌ی چهل رمان‌ها و داستان‌های خوبی را منتشر کرده‌اند. درست است که همه‌ی آثار هدایت و چوبک و گلستان و آدمیت و معین در قبل از انقلاب منتشر شده‌اند اما اکنون فقط انتشارات نیلوفر صد هزارمان خوب منتشر کرده‌است. انتشارات چشمه توانست حتی ذوق عامه‌پسند را به ذوق میانه در زمینه رمان و داستان ارتقا دهد. انتشارات اساطیر ده‌ها کتاب در زمینه‌ی اسطوره انتشار داده است. انتشارات قنقوس و امیر کبیر و جامی کتاب‌های بسیاری در زمینه‌ی تاریخ منتشر کرده‌اند. در این سه دهه هزاران مجموعه شعر چاپ شده است که در مقایسه با تاریخ نشر فارسی خود یک روایت افسانه‌ای است. ده‌ها کتاب جدی دربار‌ی اسطوره و روایت و فیلم و سینما منتشر شده است. در این سه دهه روایاتی چون نی، چشمه، مرکز، طرخ نو، رخداد، گام نو، بیدگل، ماهی، هرمنس و نشر نو طرح نین کتاب‌ها را منتشر کرده‌اند. اگر محقق‌ی فقط دربار‌ی تأثیر نثرنی یا آگاه‌ها را تفکر عمومی را با نشر کتاب‌های بسیار عالی در زمینه‌های فلسفه و سیاست و جامعه‌شناسی بررسی کند به نتایج امیدبخشی می‌رسد. ناشری مثل مرکز با چاپ کتاب‌های عالی و معرفی آثار نویسندگان تأثیر گذاری چون بابکا احمدی، عباس منجر، همایون کاتوزیان و ده‌ها مترجم و نویسنده جدی، بزرگ‌ترین خدمت را به فرهنگ ایران کرده است. همه‌ی آثاری را که علی دهباشی فراهم کرده در این سه دهه منتشر شده است. مجله‌هایی چون کلک و بخار و سمرقند بهترین مقالات را عرضه کرده‌اند. رخداد اصحاب از غنون که به همت فرهادپور جمع شده بودند، میراثی فراموش نشدنی برای فرهنگ ایران باقی گذاشتند. البته در اینجا باید از مجله‌ی سخن که در قبل از انقلاب منتشر می‌شد، یاد کنم که یک استثنای بزرگ است.

در دهه‌ی هفتاد ده‌ها نظریه‌ی ادبی، جامعه‌شناختی و فلسفی ناگهان وارد ایران شد. بهترین مجله‌ها در همین سه دهه منتشر شده‌اند. مجله‌ی مترجم از دهه‌ی هفتاد تا کنون در حال انتشار است و در معرفی و نقد جریان‌ها و کتاب‌های ترجمه بسیار موثر بوده است. گاهی فکر می‌کنم همه چیز از دهه‌ی هفتاد آغاز شده است؛ مثل مجله‌ی از غنون مثل چاپ کتاب ساختار و تاولی متن، مثل انتشار قبض و بسط تئوری شریعت، مثل نقد ادبی تری‌اگل‌تون.

امروز که به آن سال‌ها می‌اندیشم حیرت می‌کنم؛ نمی‌دانم با چه جسارتی پشتوانه‌ی کارم بود ولی از حدود بیست سالگی به مدت دو دهه در نشریات معتبری چون آدینه، مفید، دنیای سخن، گردون و تندیس مقاله و نقد و گزارش نوشتم و البته از تشویق و حمایت بزرگان و نام‌آوران آن دوران بهره‌ها بردم. گذر من از نوجوانی به جوانی در کنار نامدارترین شاعران و نویسندگان، برای منی را که هرگز جوانی نام نبودم آموزش معرفت و فروتنی بود؛ از پونده و مختاری که رفیقان جالم بودند، آن قدر بی‌رحمانه قربانی شدند، تا بهبهانی، برهنی، مجابی، لاشایی، جلالی، اشکوری، باباجاهی، معصوم بیگی، اسپهبدالخاص، دبیری، مش صفر و آنبوه نام‌آورانی که من از تک‌نکشان آموختم. این تجربه‌ها، نوعی گفت‌وگو میان هم‌نسلان من نسل‌های دیگر ایجاد کرد و من و نسل مرا به شناخت عمیق‌تر از هویت فرهنگی و تأثیرات آن در آثار معاصران‌مان، رهنمون‌شد.

به نظر می‌رسد شعر امروز ما از میراث کهن خود به خوبی تغذیه کرده و اکنون با پشتوانه‌ی عظیم فرهنگی بارور شده است. در حالی که نقاشی معاصر ما از نگارگری و نقاشی ایرانی به عنوان ذخایر فرهنگی خود بهره‌ی چندانی نبرده است. شما دلایل آن را در چه چیزی می‌دانید؟

شعر فارسی به لطف پیوند زبانی با مخاطبش و پیوستگی عمیق با سنت، توانسته است عناصر کهن را به شکلی زنده و معاصر بازآفرینی کند. ما می‌بینیم که‌شاعری از نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری، با وجود نوآوری‌هایشان، همچنان ریشه در تصاویر و مفاهیم اشعار کلاسیک فارسی دارند و همین پیوستگی موجب شده شعر معاصر بتواند این میراث را زنده نگه دارد. اما نقاشی معاصر ایران، به‌ویژه پس از مواجهه با هنر غرب در دوره‌ی قاجار، بازباز شوک جامعه در مواجهه با مدرنیّت بوده و از این رو مسیر متفاوتی را پیموده و این گسست ناخواسته از سنت تصویری ارتباط هنر معاصر با میراث گذشته را که رنگ کرده است.

ورود مدرنیسم و سبک‌های غربی، مانند کوبیسم و اکسپرسیونیسم، باعث شد که نقاشان ایرانی پیش از آن‌که به نگارگری و سنت‌های تصویری گذشته تکیه کنند، به سمت واقع‌گرایی و سپس مفاهیم مدرن غربی سوق پیدا کنند. دلیل این رویکرد گسست عمیق میان نقاشی ما و سوغات هنری رنگ‌رفتگان است، نگارگری ایرانی که بر اساس اصولی مانند فضاهای تخت، عدم پرسپکتیو و استفاده از نمادها شکل گرفته بود. منتهی بر درک پایدار از زمانی است و اصولاً گذر زمان به آن راه ندارد. از نظر ساختاری هم نگارگری به رغم برخی قرابت‌ها، شکل بندی‌های کوبیستی و رنگ‌بندی‌غایبی و اکسپرسیونیستی به ویژه از جنبه‌ی ارتباط عمیق‌اش با بازنمایی و روایتگری با نقاشی مدرن تفاوت‌هایی داشت که به اندیشه و فلسفه‌ی بنیادین این دو هنر بر می‌گشت و همین مسئله باعث شد که بسیاری از هنرمندان دوره‌ی قاجار و بعد از آن، نگارگری را در حد صنایع دستی، به‌عنوان یک هنر سنتی و تزئینی قلمداد کنند و در آثار خود کمتر به آن رجوع کنند.

برخی هنرمندان، از جمله هم‌نسلان محمد اخصایی و پرویز تنالی، توانستند با استفاده از خطاطی و نمادهای عرفانی، ارتباطی میان گذشته و حال برقرار کنند. اما این تلاش‌ها نیز اغلب به‌صورت محدود باقی ماندند و زبان بصری مشترکی که بتواند نگارگری را در قالب‌های مدرن زنده کند، به وجود نیامد که این البته به ماهیت درک ما از زبان و جهان هنر در عصر حاضر مرتبط است و زبان در هنر معاصر اصولاً شخصی است. لازمه‌ی گزینش زبان مشترک، باور به جهان و حقیقتی فراتر از هیفت‌های شخصی ماست که این حقیقت مستقل از حس ما اصولاً با درک معاصر ما از جهان و هنر و حقیقت نمی‌خواند. شعر توانسته است این پیوند را حفظ کند، چرا که زبان شعر، برخلاف زبان بصری نقاشی، همچنان میان مخاطبان فارسی زبان، زنده و جاری است. شعر نیازی به بازسازی ظاهری نداشت و عناصر کهن به‌طور طبیعی در آن بازتاب می‌یافتند، در حالی که نقاشی معاصر مجبور بود میان ویژگی‌های خاص نگارگری و سبک‌های مدرن غربی، نوعی آشتی یا تلفیق ایجاد کند که به دلیل هبوط اندیشگی انسان معاصر بسیار چالش‌برانگیز بود. به نظر می‌رسد که این گسست در نقاشی معاصر، پیش از هر چیز نه ناشی از تأثیر مدرنیسم که حاصل تأثیر تجدد یا همان مدرنیزاسیون بود و ورود عواملی چون عکاسی و سینما و چاپ از یک سو و امکان سفر هنرمندان و تواتر داد و ستد محصولات‌ی که انواع نقاشی‌های واقع‌گرای اروپایی روی آن‌ها چاپ می‌شد، به گسترش مشاغل هنری جدیدی چون منظره‌سازی به شیوه‌ی اروپایی انجامیلو این تصاویر در خانه‌ها جای تزیینات سنتی نشست. این‌ها کلاً مسیرهای متفاوتی بود که این هنر در مواجهه با دنیای جدید پیش گرفت. شاید بازاندیشی در ارزش‌ها و

هنر نو، تبلور فلسفه‌ی تر دیداست

ادامه‌ی گفت‌و گو با حمید رحمتی



میراث نگارگری توان‌درا‌هی تازه برای هنرمندان امروز بگشاید، همان‌گونه که شعر معاصر توانست با ترکیب سنت و نوگرایی، زبانی زنده و پویا بیافریند.

جناب رحمتی امروزه نقاشی رئالیستی (کلاسیک) و غیر آبرشته که در صدد تلاش عقلانی برای بازنمایی واقعیت است به بن‌بست رسیده و دیگر به لحاظ بازنمایی و شکار واقعیت به درد نمی‌خورد، به عبارتی نقاشی رئالیستی ورشکست شده و دستش خالی است، می‌خواهم بدانم در دنیای امروز کدام سبک از نقاشی بیشتر مورد اقبال مدرنیست‌هاست؟

در دنیای امروز، نقاشی رئالیستی یا کلاسیک که به دنبال بازنمایی دقیق واقعیت است، دیگر جایگاه گذشته را ندارد و این امر به‌ویژه در ایران، میان مدرنیست‌ها مشهود است. دلایل این تغییر را علاوه بر تحولات تکنولوژیک و انواع باور ناپذیر امکاناتی که بشر امروز برای بازنمایی عینی دارد، می‌توان در تحولات مفهومی هنر معاصر جستجو کرد. نقاشی معاصر بیشتر به سمت بیان مفاهیم، احساسات و نقدهای اجتماعی یا سیاسی گرایش پیدا کرده است و دیگر آن تمرکز بر بازنمایی عینی را ندارد. در این شرایط، سبک‌های متنوعی به جای رئالیسم کلاسیک، در میان هنرمندان رواج یافته‌اند. البته همواره امکان باز تفسیر و به روزرسانی شیوه‌های کهن وجود دارد ولی با امکاناتی که امروزه هوش مصنوعی در اختیار هنرمندان می‌گذارد بازنمایی مکانیکی در هیچ عرصه‌ای از کار خلاقه جایی ندارد. یکی از پیامدهای این تحولات، پیدایش و گسترش هنر مفهومی است. هنری که تأکید را از فرم به ایده منتقل کرده است. در این نوع هنر، شاید ظاهر یک نقاشی ساده یا مینیمالیستی به نظر برسد، اما معمولاً در عمق آن، مفهومی قوی و چندلایه وجود دارد. این تغییر نگرش باعث شد که نقاشی دیگر صرفاً ابزار نمایش و موعظات آشنا یا به قول معروف واقعیت نباشد، بلکه مکانی برای تأمل و پرسش‌گری شود. البته نقاشی فیگوراتیو معاصر نیز مسیر است که همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد؛ سبکی که همچنان از اشکال انسانی و محیط‌های آشنا استفاده می‌کند، اما اغلب از آن‌ها آشنایی زیادی می‌کند و یاد در چنان غربایت تصویر می‌کند که در نهایت آن‌ها را به سمت مفاهیم انتزاعی و معانی نمادین هدایت می‌کند. اوج این رویکرد کار هنرمندان نئوسورئالیست است. در ایران، هنرمندانی هستند که همچنان‌با بهره‌گیری از این سبک، بحران‌های هویتی و اجتماعی از جمله مسائل زنان را بیان می‌کنند.

نئو اکسپرسیونیسم با تأکید بر احساسات و بیان‌گری قوی از طریق رنگ‌ها و ضربه‌های آزاد قلم، فضای فراهم کرد که هنرمندان بتوانند تجربه‌های شخصی یا اجتماعی خود را بدون محدودیت‌های واقع‌گرایانه به تصویر بکشند. این سبک، به دلیل آزادی در فرم و محتوا، همچنان طرفداران بسیاری دارد. در مقابل این همه تنوع، رئالیسم کلاسیک به‌عنوان سبکی که بر بازنمایی عینی تأکید دارد، کمتر می‌تواند با جهان پیچیده و چندلایه‌ی معاصر هم‌خوانی پیدا کند. از سوی دیگر، مدرنیست‌ها به دنبال تحلیل و تفسیر واقعیت هستند، نه بازنمایی صرف آن. به همین دلیل، نقاشی امروز بیش از هر چیزی به سمت به‌چالش کشیدن واقعیت و تعریف دوباره‌ی آن حرکت کرده است.

معنا فراتر از آن معنایی است که خالق آن در سر دارد ولی آیا می‌پسندید که مخاطب، معنایی را برگزیند که مورد التفات مولف بوده است؟ یا به طریق اولی مخاطب به همان فهمی برسد که مقصود شما بوده است؟

بله قطعاً می‌پذیرم، همان‌طور که در توضیح قبلی اشاره کردم، یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی هنر معاصر، اصالت فرم است. فرم بر خلاف محدودیت‌های محتوایی فضایی بازتری را برای تفسیر و تخیل مخاطب ایجاد می‌کند. اثر هنری معاصر نه ظرفی کوچک و محدود، بلکه بستری گشوده است که ظرفیت دربرگرفتن تخیل و تجربه‌های متنوع بینندگان را دارد. هنر معاصر بر خلاف سنت‌های قدام، تأکید اصلی‌اش بر محتوا یا معنای مشخص و ازپیش‌تعیین‌شدنی نیست. مسئله بر سر درک متفاوت انسان معاصر از حقیقت است، انسان معاصر نیز مانند انسان دوره‌های پیشین به شیوه‌ی خودش به دنبال بت‌شکنی است؛ او دریافته که بت‌های واقعی خارج از ذهن او نیستند، بلکه باورها و پندارهای باطل او بت‌های راستین اویند. عقاید ما اغلب آمیخته به او‌هامند، اما برای گروهی از ما همین او‌هام مقدس جلوه می‌کنند، در حالی که عقاید ما به دلیل محدودیت و نقصان‌های ذاتی مان به خودی خود نمی‌توانند مطلق یا مقدس باشند. با این حال انسان‌ها برای همین باورهای راست و دروغ، رنج می‌کشند، از خود می‌گذرنند، و حتی جان عزیزترین کسان‌شان را قربانی می‌کنند. هنر مدرن دعوتی است به تردید و بازاندیشی در انگاره‌های مان. بنده این نظر در عقاید، اگر به‌بهبود زندگی و همنوعان ما منجر شوند، نه تنها ممکن بلکه ضروری است.

برای من به‌عنوان یک هنرمند، مهم نیست که مخاطب دقیقاً به همان معنایی برسد که در ذهن من بوده است. در واقع، من به این آزادی باور دارم که اثر می‌تواند فراتر از نیت خالق خود برود و معنایی کاملاً جدید خلق کند. این مسئله نه تنها برای‌ه عنوان هنر منم محدود نمی‌کنند بلکه برعکس، بخشی از هیجان فرآیند هنری همین است که اثرم در ذهن مخاطبان مختلف زنده‌تر و معنایش متنوع شود. هر مخاطب با نگاه و تجربه‌ی منحصر به‌فرد خود، لایه‌هایی تازه به اثر اضافه می‌کند و به آن جان می‌بخشد. از سوی دیگر، این آزادی در تفسیر، یک گفت‌وگوی بی‌پایان میان هنرمند، اثر و مخاطب ایجاد می‌کند. هنر، به‌خصوص در فرم‌های معاصر، فضایی برای مشارکت ذهنی و خلاقانه میان من هنرمند و بینندگان فراهم می‌آورد. چه بسا که برداشت مخاطبان از یک اثر، به دلیل تلاّگی یا غیرمنتظره بودنش، حتی برای من نیز الهام‌بخش باشد. این تعامل دوطرفه، جادوی هنر است؛ لحظه‌ای که معنای اثر نه در انحصار خالق آن، بلکه در هم‌افزایی میان ذهن هنرمند و مخاطب شکل می‌گیرد. برای من اهمیت ندارد که مخاطب معنایی را برگزیند که دقیقاً با قصد من تطابق داشته باشد یا نه. آنچه مهم است، ارتباطی است که میان مخاطب و اثر برقرار می‌شود و راه‌های تازه‌ای از دریافت و فهم را پیش روی هر دوی ما باز می‌کند. هنر معاصر، به همین دلیل، به یک بیان ثابت، که یک فرآیند پویا باعث از آنجایی که نقد محلی برای اندیشیدن و آفریدن است و ابزار نقدی می‌توان جهان ناشناخته‌ای را کشف کرد که حتی آفرینشگر اثر هنری از آن آگاهی ندارد، ولی به نظر می‌رسد ما در نقاشی دچار فقر نقد تخصصی و منتقد حرفه‌ای هستیم تا بتواند به وسع خوش چیزی بر جهان نقاشی و دنیای ذهنی نقاش بیفزاید و افق‌های جدیدی را به ما پیشکش می‌کند، با این اشاره می‌خواهم بر رسم که آیا اساساً شما چنین جایگاه و نقشی برای نقد فنی در نقاشی قائل اید، دو دیگر اینکه آیا منتقد یا مستقانی هستند که ما شناختی از آن‌ها نداریم؟

پیش از آن‌که به جایگاه نقد تخصصی بپردازم، فکر می‌کنم لازم است کمی دربار‌ی مفهوم خود و واژه‌ی «نقد» توضیح دهم. متأسفانه درک رایجی که ما از نقد داریم، اغلب ناقص است و ریشه در ترجمه‌های ناقص و معادل‌گذاری‌های نادرست از زبان‌های خارجی دارد. نقد را معمولاً به دلیل هم‌ریشه بودن با انتقاد، به معنای عیب‌جویی و برجسته کردن نقاط ضعف می‌فهمیم. به همین دلیل، گاهی نقد خوب را نقادی می‌دانیم که کوینده باشد. اما اگر به اصل این مفهوم برگردیم، می‌بینیم که نقد پیش از آن‌که به قضاوت دربار‌ی کاستی‌های بر داز فضایی برای اندیشیدن، گفت‌وگو و کشف است. نقد در سنت ادب‌شناسی پسا‌کانتی غرب، توانایی دوری و تفسیر را مد نظر دارد اما این دوری نه دربار‌ی هنرمند یا حتی خود اثر، بلکه در مواجهه‌ی اثر با منتقد و تأثیر آن بر جهان خودش است. این رویکرد فهم‌محور به نقد، باعث می‌شود که منتقد بتواند از اثر الهام بگیرد و زوایای تازه‌ای از آن را کشف کند. در این نگاه، منتقد نه داور و قاضی است و نه در جایگاهی بالاتر از هنرمند قرار می‌گیرد. در نگرش مدرن نقادی ارزشمند است که نه حکم صادر کند و نه صرفاً به جستجوی کاستی‌های بر داز دیلک بت‌ونادبالدیشیدن در مورد اثر، بنجره‌های جدیدی به‌روی مخاطبان و حتی خود هنرمند باز کند. هنر و نقد، به‌نوعی هم‌مسیرند: هر دو در جستجوی معنا، درک و کشف چیزهایی هستند که شاید در نگاه اول آشکار نباشند اما هداف هر دو به چالش کشیدن فهم پیشین ما از هنر است… ادامه در صفحه‌ی ۸



درخشش گذرآبادی در عرصه‌ی ترجمه

سرچشمه‌ی یکی از حوزه‌هایی که از دهه‌ی هفتاد رشد فوق‌العاده‌ای داشته ترجمه‌ی کتاب‌های نظری دربار‌ی فیلم‌نامه‌نویسی، عناصر سینما و روایت فیلم‌وزیایی شناسی سینما است.

برخی از مترجمان جوانی که از دهه‌ی هفتاد شروع به ترجمه این کتاب‌ها کردند در دهه‌ی هشتاد ده‌ها کتاب ترجمه‌ای انتشار دادند. یکی از این مترجمان پرکار و تأثیر گذار جناب محمد گذرآبادی است.

درخشش گذرآبادی در عرصه‌ی ترجمه بیشتر در دهه‌ی هشتاد و نود بوده است. او اگرچه در حوزه‌های دیگر چون روان‌شناسی و مدیریت ترجمه‌هایی دارد اما بیشتر ترجمه‌هایش در عرصه سینما و فیلم‌نامه است. محمد گذرآبادی در فروردین ماه سال ۱۳۴۷ در تهران متولد شد. ۹ سال بعد در به همراه خانواده به بندرانزلی مهاجرت کرد. در سنین نوجوانی در کانون سینمای جوان انزلی، آشنایی اولیه با سینما پیدا کرد. در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه سینما و تئاتر (دانشگاه هنر تهران) شد و ۶ سال بعد مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد.

وی از سال ۱۳۷۰ ترجمه کتاب‌های سینمایی با کتاب عناصر فیلم‌نامه‌نویسی آغاز کرد و با ترجمه‌ی کتاب داستان اثر رابرت مک‌کی بر روی کتاب‌های آموزش فیلم‌نامه‌نویسی متمرکز شد. از سال ۱۳۸۹ شروع به تدریس فیلم‌نامه‌نویسی در دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه هنر تهران، دانشگاه تهران، سپهر اصفهان و دانشگاه سوره و… کرد.

در سال ۱۳۹۰ شروع به تألیف اولین فرهنگ تخصصی فیلم‌نامه کرد و بعد از ۳ سال تلاش در سال ۱۳۹۳ با نام «فرهنگ فیلم‌نامه» به چاپ رسید. این کتاب در سال ۱۳۹۴ موفق به دریافت جایزه کتاب‌سال شد. در سال‌های بعد چندین چند عنوان کتاب دیگر در باب آموزش فیلم‌نامه‌نویس ترجمه و منتشر کرد. همچنین در طول این سال‌ها، ده‌ها کارگاه فیلم‌نامه‌نویسی در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، بندرانزلی و زاهدان برگزار کرده است.»

۱۶ نوروز گاه در بناهای تاریخی زنجان برپای می‌شود

سرچشمه معاون میراث فرهنگی استان زنجان گفت:طبق برنامه ریزی انجام گرفته همزمان با فرارسیدن عید نوروز، ۱۶ نوروز گاه در بناهای تاریخی استان برپای می‌شود.

به گزارش این‌رنامه محلد رضامحمدپور افزود این نوروز گاه‌ها در موزه ذوق‌فقراری، رختشویخانه زنجان و گنبد جهانی سلطانیه زنجان بر گزار می‌شود تا گردشگران با بهره‌مندی از نتایج سفر با فرهنگ، سنت‌ها، غذاها و لباس های محلی هنر شهر آشنانشوند.

وی اضافه کرد: علاوه بر آن، مجتمع های بین راهی نسبت به برگزاری نوروز گاه ها اقدام خواهند کرد که این روند به طور معمول و با فرارسیدن نوروز بر گزار می‌شود.

معاون میراث فرهنگی استان زنجان به برنامه های پاسداری از میراث ناملموس در نوروز گاه ها اشاره کرد و اظهار داشت: در کنار اجرای برنامه های مختلف، غرفه های صنایع دستی نیز بر پا خواهد شد تا هنرمندان به معرفی آثار هنری و بومی استان زنجان بپردازند.

محمدپور تصریح کرد: دواستاد فرهنگی و معرفی آیین های سنتی و هنری استان و به ویژه پاسداری از میراث ناملموس مهمترین رسالت نوروز گاه ها در ایام سفر نوروزی است.

عملیات اصلاح خط اصلی آب شرب شهر زنجان تکمیل شد

سرچشمه-مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان زنجان گفت: عملیات اصلاح خط اصلی آب شرب زنجان باهدف تسهیل در اجرای پروژه عمرانی شهیدان کریمی به طول بیش از یک کیلومتر تکمیل شد.

به گزارش مهر، علی محمد نادرخانی اظهار کرد: برای اجرای این عملیات که با اجرای آن اجرای پروژه عمرانی شهرداری تسریع می‌شود اعتباری بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال هزینه شده است. وی افزود: این عملیات با قطعی و محدوده تأثیر کم شامل شهرک نالوایان فازهای یک، دو و سه انجام شده و پیش از اجرای آن تأثیر لازم جهت تأمین آب مشترکین انتخاب شد. نادرخانی ادامه داد: اجرای عملیات اصلاح ۵۰۰ متر خط اصلی فاضلاب نیز دیگر عملیاتی بود که همزمان با این اقدام انجام شد. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان زنجان گفت: عملیات اتصال خطوط اصلی برگشت از مخزن یک غربی به شبکه توزیع شهر زنجان به دلیل تداخل با تأسیسات و ابنیه شهر داری و اجرای طرح عمرانی شهیدان کریمی انجام شد. وی خاطر نشان کرد: شرکت آب و فاضلاب استان زنجان آمادگی دارد جهت ارتقا شاخص‌های توسعه و رفاه حال مردم هر گونه همکاری لازم با نهادهای خدمات رسان داشته باشد.

پژوهش در تاریخ معاصر دشوار است

آیین رونمایی کتاب «زنان زنجان و انقلاب ۵۷» برگزار شد



اما پس از او، مسیر نگارگری بیشتر به بازتولید دستاوردهای پیشین معطوف شد. از عصر صفوی به این سو کل این هنر به افول گرایید. چرخه‌ی تکرار به کم‌رنگ شدن نوآوری و بداعت در آن انجامید. و در نهایت، پویایی و شجاعت هنری در آن رو به افول گذاشت اما این به معنای از کارافتادگی یا بی‌ارتباطی کامل آن با جهان امروز نیست. نگارگری ایرانی، به‌ویژه در دوران اوج‌اش، باز زیبایی‌شناسی، نمادگرایی و سبک منحصر به فردش جایگاهی بی‌بدیل در تاریخ هنر جهان داشته است. باین‌حال، ویژگی‌هایی چون فضاهای تخت، عدم پرسپکتیو و رویکرد تزئینی آن، محدوده‌هایی است که در تقابل با اصول نقاشی غربی است و همین امر موجب شد بسیاری از نقاشان معاصر به سمت طبع آزمایی در سبک‌های نو و با تلفیق آن با سبک‌های مدرن بروند.

مشکل اصلی این است که نگارگری در تعامل با مسائل مدرن، محدود باقی ماند این هنر که زمانی نماد روایت‌گری‌های تاریخی، حماسی و عرفانی بود نتوانست به‌خوبی با مضامین اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی امروز پیوند برقرار کند. در نتیجه نگارگری به‌عنوان هنری که نماد گذشته است بیشتر در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی جایگاه پیدا کرد نقش کم‌تری در تعامل فعال با جهان معاصر ایفا نمود.

با این وجود، نمی‌توان منکر زیبایی و تأثیر این هنر شد. نگارگری همچنان به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی ما ارزشمند است. حتی پیشاتازان هنر مدرن غربی، از جمله رویست‌ها و امپرسیونیست‌ها، از رنگ‌بندی و ساختار نگارگری الهام گرفتند و آن را تحسین کردند. اما واقعیت این است که برای باقی ماندن در جریان هنر معاصر، نیاز به رویکردی نوآورانه و بازنندیشی و بازتفسیر و به‌روزرسانی سنت‌های گذشته داریم.

از سوی دیگر تلاش‌های زیادی برای بازآفرینی روح نگارگری در هنر معاصر انجام شده است. هنرمندان معاصر توانسته‌اند، با استفاده از نقوش، خطوط ماهم از سنت و نیز مفاهیم و دستمایه‌های فرهنگ عرفانی، توانسته‌اند پلی میان گذشته و حال بزنند. اما این تلاش‌ها هنوز نتوانسته‌اند نگارگری را به زبان امروز ترجمه کنند.

نگارگری مانند خطاطی تبرک کدکی برایم عزیز است، به نوعی پرنده‌ای زیبا و خاطرناگیز که پروازش در آسمان هنر امروز دشوار شده است. اگر قرار است این هنر بتواند بار دیگر پرواز درآید، درآید و نقشی فعال در گفت‌وگوی جهانی ایفا کند، نیازمند بازآفرینی نقشی‌چیزی که تنها از طریق جست‌وجوی هنری و خلاقیت در مواجهه با سنت می‌تواند محقق شود. برای من البته زندگی و پرواز و جان پرنده مهم‌تر از نقش و نگار آن است. به قول فروغ فرخزاد: «وز راه را به خاطر بسیار پرنده‌مرنی است» زن و مضمون و مفهوم زنانه در نقاشی‌های شما حضور چشم‌گیری داشته است، و البته در شعر و ادبیات معاصر ما نیز این مضامین بسیار بالایی داشته‌اند می‌خواهم بپرسم فکرمی کنید شما چه قدر در تعمیق و توسعه‌ی جهان‌زنانه و نورمال‌سازی جامعه‌ی ایرانی نقش آفرینی کرده‌اید؟

موضوع زن و مفاهیم زنانه، در تاریخ هنر، همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است. از نقاشان پیشروی مدرن همچون کوربه، مانه و پیکاسو گرفته تا هنرمندان فیمنیست دوران معاصر، زن همواره در مرکز توجه بوده است. زن فقط به‌عنوان موضوعی زیبایی‌شناختی، بلکه به‌عنوان نماد تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در آثار هنری بازتاب یافته است. امروزه حتی تاریخ هنر اروپا با عنایت به این موضوع از نو نگاشته می‌شود تا به زنان مهمی چون آرتیستا جنتلسکی همان قدر دیده شوند که هنرمند معاصرش کاراواجو. فریدا کالو همان قدر موضوع نقد هنری باشد که شوهرش دیده‌گو روبرا در ایران نیز. این موضوع کانونی در شعر، ادبیات و البته مبارزات اجتماعی چنددهه‌ی اخیر نقش محوری داشته است. تصویر زن ایرانی، با تمامی شکوه و درد توأمانش، نمادی از پیچیدگی‌های جامعه‌ی ایرانی و تلاش برای عبور از چالش‌های معاصر ایران بوده است.

ارزیابی تأثیر اجتماعی یک هنرمند را به فرآیندهای گسترده‌ی اجتماعی کار ساده‌ای نیست و به‌زمان و تحلیل‌های عمیق‌تر محققان و منتقدان نیاز دارد. اما به‌عنوان یک هنرمند، تلاش کرده‌ام تا پردی دروغین و تبلیغاتی را که چهره‌ی زن در جامعه‌ی پرچالش ما را تحریف کرده، کنار بزنم و به جای بازنمایی کلیشه‌ای زیبایی قراردادی و لطافت صوری، رنج و درد و مبارزه‌ی زنان ایرانی را به تصویر بکشم. این تلاش، برای من نه صرفاً بیان زیبایی‌شناختی، بلکه نوعی مواجهه با حقیقت زنانه در جامعه‌ی امروز ایران بوده است.

نقش زن در آثار من، بازتاب‌دهنده‌ی صدای زنان ایرانی است. زنانه که در قلب تحولات اجتماعی و سیاسی حضور داشته‌اند. زنانه که از دیدن من فقط قربانی نیستند، بلکه حامل امید، مبارزه و تلاطم هستی‌اند. اگر توانسته باشم لحظه‌ای از زندگی، درد یا امید آن‌ها را به گونه‌ای نشان دهم که با مخاطب ارتباط برقرار کند، می‌توانم بگویم که نقاشی‌هایم توانسته‌اند به سهم خود گامی در راه تعمیق فهم و «نورمال‌سازی جامعه» بردارند. به یاد داشته باشم که جامعه نیازمند ارتباط و تفاهم و هم‌دلی و هم‌بستگی است و گر نه معنای ملت و شهر و کشور بی‌معنی است. اجتماعی که مبتنی بر این‌ها نیست کنار هم زیستن با همزیستی در آن ناممکن است. هنر آینه‌ای است که بازتاب‌دهنده‌ی توانان و واقعیت‌ها و آرمان‌هاست. لازمه‌ی درک این بازتاب، آزاداندیشی مخاطب است؛ اوست که با دیدن، تفسیر و بازنندیشی در آثار، معنایه‌های فراتر از نیت مورد نظر من را خلق می‌کند. بنابراین، شاید بتوان گفت که هنر، در این تعامل دوطرفه‌ی بهترین شکل می‌تواند طرح پرسش‌هایی باشد که جهت بازتعریف مفاهیمی مانند هویت، زنانه‌گی، و جایگاه تک‌مادر مدرن، آبدیشی و مناظره‌ی اجتماعی.

او در ادامه با اشاره به موضوع کتاب به محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش‌های تاریخی با موضوع معاصر پرداخت، به گفته‌ی وی برخلاف تصور عموم که پژوهش در موضوعات معاصر را به دلیل نزدیکی زمانی و حضور افراد دخیل امری آسان و قابل حصول می‌دانند، اتفاقاً به دلایل مختلف پژوهش در تاریخ معاصر به ویژه هرچه رویداد به زمان حاضر نزدیک‌تر باشد، دشوارتر و نتایج سیال و نسبی خواهد بود. نخستین ابزار دست پژوهشگر تاریخ منابع و اسناد هستند. در مورد موضوعی مانند انقلاب اسلامی، آن‌هم در مناطق مختلفه‌اند. زنجان این مهم‌ترین ابزار محقق یعنی منابع و اسناد به دلایل عایدیه مانند قراردادن در حالت طبقه‌بندی و محرمانه‌علم، کشف قراردادن در آرشیو شخصی و... به‌طور کافی در دسترس نیستند. علاوه بر آن با توجه به این که جامعه هنوز در حال هوا و تأثیر آن رویداد قرار دارد، قضاوت‌ها نیز تحت تأثیر هیجانات و فضای احساسی قرار می‌گیرد و این مساله کار را برای پژوهشگر دشوار می‌کند.

دکتر فتح‌الله پور ادامه داد: در چنین مواردی یکی از شیوه‌ها و مزیت‌های اطلاع از واقعیت رویدادها و تحلیل آن‌ها رجوع به تاریخ شفاهی و مصاحبه با افراد دخیل در رویدادهاست. البته تاریخ شفاهی نیز آفت‌های خود را دارد. در درجه نخست ممکن است افراد خاطرات خود را مکتوب نکرده باشند و به حافظه متکی باشند. طبیعی است که حافظه قابل اطمینان نیست. مساله‌ی بعدی این است که معمولاً افراد در بیان خاطرات، خود را محور حوادث مثبت معرفی می‌کنند و معمولاً مسئولیت نتایج

شخصیت تاریخی در زنجان است. کتاب «زنان زنجان و انقلاب ۵۷» چهارمین کتاب مجموعه‌ی «نگاه معاصر» چاپ شده است، از ساعت ۱۶ روز پنج شنبه ۱۶ اسفند ماه ۱۴۰۳ در مجموعه فرهنگان واقع در محل تاریخی راه‌آهن زنجان برگزار شد.

در ابتدای جلسه سید مجتبی حسینی موسوی مدیر عامل موسسه فرهنگی مشکلات ضمن خوش آمدگویی به حضاران در جلسه، گزارشی از اقدامات موسسه در زمینه‌ی پژوهش‌های مربوط به تاریخ زنجان تحت عنوان «زنجان پژوهی» ارائه کرد.

به گفته‌ی وی موسسه فرهنگی مشکلات در راستای اهداف و برنامه‌های خود در جهت انجام پژوهش‌های آکادمیک و علمی تاریخی در زمینه‌ی موضوعات مهم و تأثیرگذار در تاریخ زنجان، به منظور آشنایی مردم منطقه به ویژه نسل جوان با میراث تاریخی خویش، اقدام به انعقاد قراردادی با افراد صاحب‌نظر در این حوزه و سرمایه‌گذاری برای انتشار کتاب نمود.

نخستین کارپژوهشی انتشار کتاب «جنگ زنجان» تألیف پرویز فتح‌الله پور در سال ۱۴۰۱ بود. این کتاب که جنگ بایه زنجان را در دوره قاجاریه مورد بررسی قرار می‌داد، با استقبال وسیع مواجه شد و در مدت کوتاهی نسخه‌های چاپی آن به پایان رسید. چاپ دوم کتاب به زودی به بازار خواهد آمد. کتاب دوم با عنوان «مشر و وطیت در زنجان» که در واقع پایان‌نامه‌ی دکتری حسن رستمی بود، در سال ۱۴۰۳ منتشر شد. اکنون نسخه‌های این کتاب نیز در بازار به پایان رسیده است.

کتاب «آزمایش زندگی» که تصحیح حسن رستمی سومین کتابی بود که در سال ۱۴۰۲ منتشر شد. این کتاب خاطرات پیدخ‌های غالباً غیرسیاسی شیخ‌ابراهیم زنجانی است. دلیل چاپ آن به همت موسسه فرهنگی مشکلات، صرف نظر از آرا، دیدگاه‌ها و کارنامه‌ی سیاسی شیخ‌ابراهیم زنجانی، تأثیرگذاری او به‌عنوان یک

اینکه بهمن محمص در زمان خود از برتری نقاشی نسبت به سایر رشته‌های هنری سخن گفته، بازتاب‌دهنده‌ی شرایط فرهنگی و هنری آن دوره بوده است. در آن زمان نقاشی به‌عنوان یکی از هنرهای پیشرو در ایران شناخته می‌شد و هنرمندان بزرگی در این عرصه فعال بودند. اما امروز باید گفت که سینما، چه از نظر دامنه‌ی مخاطب و چه از نظر بازتاب‌بین‌المللی، توانسته جایگاه برجسته‌ای به‌دست آورد. تعداد فیلم‌های ایرانی که به جشنواره‌های جهانی راه می‌یابند و جوایز مهمی کسب می‌کنند، شگفت‌انگیز است و سینما را به یکی از شناخته‌شده‌ترین وجوه هنر ایران در سطح جهانی تبدیل کرده است. اما اگر بخواهیم به مقایسه‌ی این دو هنر پردازیم، باید تفاوت‌های بنیادی میان نقاشی و سینما را در نظر بگیریم. سینما به‌دلیل ماهیت خود، به‌عنوان هنری جمعی و عمومی، از مخاطبان گسترده‌تری بهره‌مند است. یک فیلم می‌تواند در جشنواره‌های جهانی نمایش داده شود. در سینما، ما به‌اکران برسد و از طریق پلتفرم‌های دیجیتال در دسترس میلیون‌ها نفر قرار گیرد. همین گستردگی دامنه‌ی مخاطب، سبب می‌شود که دستاوردهای سینمایی بازتاب بیشتری در رسانه‌ها و جامعه داشته باشد.

در مقابل نقاشی هنری است که ارتباطی خاص تر و شخصی‌تر با مخاطب دارد. یک اثر نقاشی معمولاً در گالری‌ها موزه‌ها یا نمایشگاه‌های هنری به نمایش گذاشته می‌شود. مخاطبان آن اغلب گروهی محدود و تخصصی تر هستند. این تفاوت در نوعی ارتباط با مخاطب، موجب می‌شود که دستاوردهای نقاشی کمتر به‌صورت عمومی دیده شوند. هرچند که آثار نقاشان معاصر ایران در حراجی‌های بزرگ، گالری‌های بین‌المللی و مجموعه‌های خصوصی حضور چشم‌گیری دارند. همین‌ها به‌نمایشگاه‌های هنری که نقاشی به‌عنوان هنری فردی از دیدگاه حلق و مخاطب، تعاملی عمیق‌تر و درونی‌تر ایجاد می‌کند. هر نقاشی، جهانی مستقل و شخصی را به تصویر می‌کشد که بیننده می‌تواند با آن مواجه شود. به‌تأمل بپردازد. این ویژگی باعث می‌شود که نقاشی همچنان جایگاه خود را در میان هنرهای مهم حفظ کند. حتی اگر گستری عمومی آن به‌اندازه‌ی سینما نباشد، بنابراین نمی‌توان گفت که نقاشی نسبت به سینما یا سایر هنرهای پیشاتاز از باقی‌مانده‌تر است. هرکدام از این هنرهای جایگاه و نقش منحصر به فرد خود را دارند. سینما توانسته در حوزه‌ی بازنمایی فرهنگی ایران در سطح جهانی پیشگام شود. در حالی که نقاشی همچنان با عمق و ظرافت خود، به‌شکل گیری هویت هنری نامکرم می‌کند. به یاد داشته باشید که ما تنها کشور اسلامی هستیم که سنت پیوسته و درخشان تصویری به‌ویژه در عرصه‌ی نقاشی داشته است. شاید مسئله، بیشتر از مقایسه، در فهم این تفاوت‌ها و نقش مکملی است که این هنرهای کنار هم به‌عنوان مظاهر فرهنگ معاصر ما ایفا می‌کنند.

آیا می‌شود گفت میناتور ما در تاریخ فریز شده و یادگار متبرکی از دوران گذشته ماست و نمی‌تواند به سوزهای معاصر بپردازد و نیازهای مدرن مخاطبان امروز را از بعد زیبایی‌شناسی و... تامین کند؟

اگر بخواهیم به جایگاه نگارگری ایرانی، یا آنچه اغلب به‌عنوان میناتور می‌شناسیم بپردازیم باید بپذیریم که ما این هنر از جنبه‌هایی در تاریخ و فرهنگ ما فریز شد. رضا عباسی با نگاه نو و جرأت خلافت‌اش توانست برای آخرین بار تحولی در نگارگری ایجاد کند... ادامه در ستون روبرو.

